



قدرت مفقوده رئیس جمهور
سیدحسین مرعشی



رئیس جمهور بی نزاکت
واکنش اوباما به ترامپ



بدرو عنایت خان
به یاد عنایت‌الله بخشی



مأموریت غیرممکن

رئیس جمهور با اشاره به سخنان اخیر علی شکوری‌راد درباره وقایع دی‌ماه گفت: یکی از برادران اصلاح‌طلب پیام‌هایی مطرح کرده که اگر درست باشد، فاجعه است. حکم می‌دهم که او برود و موضوع را دریابورد ما نیامدیم برای مردم مشکل ایجاد کنیم، آمده‌ایم تا مشکل را حل کنیم

سازندگی به بررسی این موضوع پرداخته است



عاطفه شمس

گروه سیاسی

رئیس جمهور روز گذشته در آیین اختتامیه جشنواره فارابی گفت: «اخیراً در جلسه‌ای گفتم یکی از برادران اصلاح‌طلب، پیام‌هایی مطرح کرده که اگر درست باشد، فاجعه است». او تأکید کرد که حکم می‌دهد تا «این آدم برود و موضوع را دریابورد».

اشاره پزشک‌بان به علی شکوری‌راد، فعال اصلاح‌طلب و عضو شورای مرکزی حزب اتحاد ملت بود که انتشار فایل صوتی منتسب به او درباره وقایع دی‌ماه در فضای مجازی و سپس، بازداشتش خبرساز شد. شکوری‌راد در این فایل، ابهاماتی را درباره علت و ابعاد اعتراضات دی‌ماه مطرح می‌کند. سخنان دیروز پزشک‌بان در حالی مطرح شد که او پیش‌تر در واکنشی تند به اظهارات شکوری‌راد گفته بود: «ما اشتباه را انکار نمی‌کنیم اما اینکه فردی به

اسم اصلاحات ادعا کند، حاکمیت خودش این کارها را کرده بسیار بی‌انصافی است». بعد از این اظهارات رئیس‌جمهور پرسش‌هایی جدی در افکار عمومی مطرح شده مبنی بر اینکه آیا اساساً صدور چنین حکمی در چارچوب اختیارات قانونی رئیس‌جمهور قرار دارد؟ و به فرض صدور حکم، چگونه ممکن است در حالی که علی شکوری‌راد هم‌اکنون در زندان به سر می‌برد، این حکم قابلیت اجرا داشته باشد؟ ماجرا از بازنشر یک فایل صوتی در فضای

مجازی آغاز شد؛ فایلی منتسب به علی شکوری‌راد که در آن بی‌پرده درباره حوادث دی‌ماه، جان‌باختگان و ریشه‌های اعتراضات اظهارنظر می‌کند. در این فایل، شکوری‌راد ابهاماتی درباره آنچه در اعتراضات دی‌ماه رخ داد، مطرح می‌کند و با اشاره به فضای اعتراضی موجود، تأکید دارد که بخشی از شوک موجود در جامعه ناشی از روشن نشدن ابعاد دقیق حوادث است.

ادامه در صفحه ۲



پیشرفت مهم در مذاکرات

مجید تخت‌روانچی، معاون سیاسی وزیر امور خارجه به بی‌بی‌سی گفت که موضوع غنی‌سازی صفر درصد از دستورکار ایران و آمریکا خارج شده است



یادداشت روز

بازسازی اعتماد اجتماعی

قربانیان بحران‌های اخیر، نه آمار که عزیزان خانواده‌های ایرانی‌اند



صالح نقره‌کار

حقوقدان

در برهه کنونی، آنچه بیش از هر چیز شایسته توجه و تأمل است، ضرورت تقویت همبستگی ملی حول محور قاعده بنیادین «احترام» است. جامعه ایران در سال‌ها و ماه‌های اخیر با انبوهی از رنج‌ها، نفرت‌ها، کینه‌ها، ناراحتی‌ها، نارسایی‌ها، کمبودها، شکاف‌های طبقاتی و فقدان‌های انباشته‌شده عدالت در حوزه عمومی مواجه بوده است. این وضعیت، بیش از هر زمان دیگر، مسا را ناگزیر می‌کند که به سوی نگاهی شهروندمدار، متکی بر قاعده احترام و کرامت انسانی حرکت کنیم؛ نگاهی که بتواند زمینه ترمیم اعتماد اجتماعی و بازسازی پیوندهای گسسته را فراهم آورد. در این زمینه، کتابی با عنوان «احترام در جهان نابرابری‌ها» به‌درستی تأکید می‌کند که جامعه نابرابر، وضعیتی شبیه جامعه قحطی‌زده دارد؛ جامعه‌ای که در آن شهروندان نه تنها برای معیشت بلکه برای منزلت، دیده شدن و احترام نیز در تکیه هستند. امروز، مجامع عمومی، رسانه‌های جمعی، دولت و حاکمیت، بیش از هر زمان دیگر، نیازمند اتخاذ نگاهی برادرانه، مهربانانه، تحمل‌گرایانه و روادارانه‌اند. بدون چنین رویکردی، امکان عبور از بحران‌های اجتماعی و سیاسی به حداقل خواهد رسید. جامعه ما تجربه عبور از یک وضعیت خشونت‌بار را در دی‌ماه ۱۴۰۴ پشت سر گذاشته است؛ وقایعی که آثار عمیق و ماندگاری بر پیکره اجتماعی کشور بر جای گذاشته‌اند. از یک‌سو، با دشمن خارجی مواجه بودیم و از سوی دیگر، جریاناتی شکل گرفت که منجر به سیر انسانی‌سازی شهروندان شد. همزمان، استفاده از سلاح توسط نهادهای نظامی با هدف تأمین امنیت صورت گرفت. در این میان، به هر ترتیب، با بخشی از قربانیان مواجهیم که به هیچ‌وجه اغتشاش‌گر نبوده‌اند؛ افرادی که معترض بودند اما در شرایط آمیخته به خشونت در کنار نیروهای مزدور و سازمان‌یافته‌ای قرار گرفتند که حضورشان به از بین رفتن جان انسان‌ها انجامید. نکته اساسی آن است که هر یک از این افراد، به تعبیر بیانی‌ای که دولت اخیراً منتشر کرده، «آمار» نیستند؛ بلکه عزیزی از یک خانواده‌اند. امروز، ایران عزادار همه آنان است. همان‌گونه که رهبر، رئیس‌جمهور و دیگر مسئولان کشور نیز تأکید کرده‌اند، این افراد یکایک شهروندان عزیز ایران بوده‌اند و امروز خانواده‌های آنان و کل جامعه از فقدان‌شان متأثرند. این واقعیت، مسئولیت اخلاقی و حقوقی حاکمیت و نهادهای عمومی را دوجندان می‌کند. در چنین شرایطی، ما نیازمند نوعی مردم‌شناسی حقوقی هستیم؛ نگاهی فراتر از نظرگاه‌های صرفاً قدسی یا سیاسی. این مردم‌شناسی حقوقی، ما را به مراقبت از شرایطی فرامی‌خواند که در آن، همبستگی اجتماعی توأم با احترام و تمرکز بر حقوق و مسئولیت‌های انسانی و اخلاقی، به‌طور جدی مورد توجه قرار گیرد. جامعه ایران برای عبور از وضعیت بحرانی کنونی، در عرصه داخلی، ناگزیر است ارزش حمایت از کرامت انسانی و حق حیات را در اولویت قرار دهد و شرایطی را فراهم کند که زمینه کینه‌ها، نارسایی‌ها و ناراحتی‌های انباشته شده دگرگون شود. آنچه مردم واقعاً از دولت‌مردان و حاکمان انتظار دارند، تحقق عملی این اصول است. مراجعی که از بیت‌المال ارتزاق می‌کنند، همواره باید این یادآوری را در ذهن داشته باشند که حقوق یکایک ایرانیان نزد آنان به امانت است. آنان نماینده یک قوم، یک جریان سیاسی یا حتی صرفاً یک ساختار حکومتی نیستند بلکه نماینده همه مردم ایران هستند. هرگونه نمک پاشیدن بر زخم شهروندان متأثر از وضعیت خشونت‌بار ماه‌های اخیر، نه تنها صدمه‌ای جدی به همبستگی ملی توأم با کرامت انسانی همه شهروندان است بلکه در حقیقت توهین به همه مردم ایران به‌شمار می‌رود.

شناسه آگهی: ۲۱۲۶۱۵۶



فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی

احداث نیروگاه خورشیدی (پنل خورشیدی) جهت ساختمانهای ستادی گمرک جمهوری اسلامی ایران

گمرک جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نسبت به انجام احداث نیروگاه خورشیدی (پنل خورشیدی) جهت ساختمانهای ستادی گمرک جمهوری اسلامی ایران، از مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی اقدام نماید.

اداره کل توسعه و تجهیز گمرک جمهوری اسلامی ایران
اداره امور قراردادهای مناقصات

م الف ۴۳۰۳

رجوع به صفحه ۵



سال نهم شماره ۲۱۸۴
دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۴



بررسی رویدادهای سیاسی

سیاست

قدرت مفقوده رئیس‌جمهور

مرعشی: راهکار اصلی برای اصلاح وضعیت کشور تقویت نقش جمهوریت است



گروه سیاسی: سیدحسین مرعشی، دبیرکل حزب کارگزاران سازندگی ایران، با تأکید بر ضرورت تقویت نقش رئیس‌جمهوری در ایران گفت: «حتماً باید به سمتی حرکت کنیم که رئیس‌جمهوری که منتخب مردم است و دولت منبعث از او، قدرت اصلی کشور باشد تا بتواند، خواسته‌های مردم که قولشان را داده است، عملی کند». او این اظهارات را در گفت‌وگو با «کافه خبر» خبرنگاران مطرح کرد و درباره اصلاحات، عملکرد اقتصادی دولت و راه‌های بازگرداندن اعتماد عمومی توضیح داد.

مرعشی با اشاره به شکاف بین مردم و حاکمیت، گفت: «شکافی که بین مردم و حاکمیت ایجاد شده است، خودش را در شکل‌های مختلفی مانند قهر آنها از انتخابات و کاهش میزان مشارکت نشان داده است. سال گذشته که آقای پزشکیان می‌خواست روی کار بیاید با نسل «زد» گفت‌وگو کرد و این‌طور عنوان می‌شد که برای ایجاد یک‌سری اصلاحات می‌خواهد بیاید».

او در پاسخ به اینکه چرا اصلاحاتی که آقای پزشکیان بارها به آن اشاره می‌کرد، رخ نداد؟ گفت: «این بار اول نیست، همیشه با این مشکل مواجه بوده‌ایم که رؤسای‌جمهور ما به مردم قول‌هایی می‌دادند تا بتوانند، رأی مردم را جلب کنند و بلافاصله بعد از استقرارشان، گاهی خودشان قول‌هایشان را فراموش می‌کردند و گاهی نهادهایی که ثباتشان از ثبات دولت بیشتر بوده است در مقابل هر نوع اصلاحی مقابله می‌کردند».

مرعشی در ادامه، نام نهادهایی مانند قوه قضائیه، سپاه، شورای‌عالی انقلاب فرهنگی و شورای‌عالی فضای مجازی را برد و گفت: «دولت در این نهادها حضور دارد اما در کنترل آنها نیست. باید به سمتی برویم که دولت قدرت اصلی کشور باشد تا بتواند اصلاحاتی که مردم انتظار دارند، انجام دهد».

مرعشی با اشاره به محدودیت‌های رئیس‌جمهور فعلی و دولت‌ش گفت که ممکن است، بخشی از تأخیر در تحقق وعده‌ها به نداشتن اختیارات کافی بازگردد و نه فراموشی یا بی‌توجهی به وعده‌ها.

دبیرکل حزب کارگزاران در بخش دیگری از این گفت‌وگو، نسبت به فرهنگ دوگانه سیاسی هشدار داد و تأکید کرد: «نمی‌توانیم با این فرهنگ جلو برویم که عده‌ای از مردم، انتظار سرنگونی جمهوری اسلامی را داشته باشند و نظام هم فکر کند تنها با بازداشت و برخورد امنیتی می‌تواند کشور را اداره کند. کشور با علم، فکر و تدبیر اداره می‌شود، با هماهنگی فرهنگی و فکری میان مردم و حاکمیت». او اضافه کرد که دخالت وسیع نهادهای حکومتی در زندگی شخصی مردم و توسعه‌نیافتگی ایران، یکی از منابع اصلی نارضایتی و بغض عمومی است.

مرعشی با مثال‌های تاریخی نیز تأکید کرد که بازگشت سلسله‌های سلطنتی به قدرت هرگز رخ نداده و در عرصه جمهوری نیز رؤسای‌جمهور نمی‌توانند به‌راحتی بعد از دوره خود بازگردند. او افزود که حتی مرحوم آیت‌الله هاشمی، یکی از موفق‌ترین رؤسای‌جمهور، پس از دوره ۸ ساله خود نتوانست به قدرت بازگردد زیرا بخشی از مردم از قدرت نهادهای امنیتی و محافظه‌کاری‌ها می‌ترسیدند.

مرعشی راهکار اصلی برای اصلاح وضعیت کشور را بازگرداندن اعتماد عمومی و تقویت نقش جمهوریت دانست و تأکید کرد: «نظام جمهوری اسلامی باید با حفظ اصول خود و احترام به قوانین اسلامی نوسازی شود تا ۷۰ درصد مردم بتوانند با آن زندگی کنند و از مواهب توسعه، عدالت و رفاه بهره‌مند شوند. دادگاه‌ها و دیوان‌های اداری باید محل احقاق حق و اجرای عدالت باشند». او همچنین افزود که اصلاح قانون اساسی، در صورت ضرورت، می‌تواند زمینه‌ساز تقویت اختیارات دولت و اجرای وعده‌های رئیس‌جمهور باشد.

ادامه تیتربیک

مأموریت غیرممکن

می‌دهم که این آدم سرود و موضوع را دریابورد. ما نیامدیم که برای مردم مشکل ایجاد کنیم بلکه آمده‌ایم تا مشکل را حل کنیم». رئیس‌جمهور در ادامه گفت: «یک جا نه، شاید چندین جای کار ما می‌لنگد. خیلی وقت‌ها گفته‌ام به‌جای اینکه با کسانی که مشکل دارند، برخورد کنیم باید ماهایی که طراحی و مدیریت و نظارت می‌کردیم، خودمان را نقد کنیم. به‌جای اینکه خود را نقد کنیم، می‌خواهیم طرف مقابل را نقد کنیم، چرا؟» او افزود: «دین و باور و اعتقاد ما با این همه عمق و سابقه و قدمت، برون‌دادش چرا باید این‌گونه باشد که الان هست؟ چرا نمی‌توانیم با یکدیگر حرف بزنیم؟ باید نشان دهیم که چرا این مشکل به‌وجود آمده و چگونه باید آن را درمان کرد؟»



نسخه‌نویسی برای یک زخم اجتماعی

پزشکیان همچنین در ادامه به وقایع دی‌ماه اشاره کرد و گفت: «حادثه خیلی بدی بود؛ واقعاً غیرقابل تصور بود. ما چرا باید به چنین جایی برسیم؟ چرا باید جوان‌های ما گول بخورند و بعضی‌هایشان کارهایی کنند که اصلاً در ذهن آدم نمی‌گنجد؟ چرا باید بیایند مسجد ما را آتش بزنند، بازار ما را آتش بزنند و نیروهای امنیتی و نظامی را هدف قرار بدهند؟ اصلاً تصور‌ش برای آدم امکان‌پذیر نیست. اگر قصوری از ماست، خودمان اصلاح کنیم؛ اگر آن طرف ذهنیتی پیدا کرده، آن را اصلاح کنیم». رئیس‌جمهور با اشاره به مسئولیت سنگین نهادهای درگیر در این حوزه، افزود: «مسئولین و کسانی که در این مسائل کار می‌کنند، الان بار کارشان سنگین‌تر از کارهایی است که یک سیاستمدار ممکن است بکند. ما داریم تلاش می‌کنیم این روند را ترمیم کنیم».

پزشکیان با تأکید بر رویکرد علمی در مواجهه با بحران‌ها

تصریح کرد: «باید علت‌یابی شود و برایش نسخه علمی نوشته شود. با انکار کردن، با ندیدن، با حذف کردن و پاک کردن مسئله، مشکل پاک نمی‌شود. تا بیماری را درست نشناسیم، نمی‌توانیم درمان کنیم». و در ادامه با استفاده از تمثیلی پزشکی گفت: «ما اگر پزشک باشیم و مریض اطلاعات درست به ما ندهد، نمی‌توانیم نسخه درستی برایش بنویسیم. باید بدانیم گیر کجاست تا بتوانیم نسخه‌ای که می‌نویسیم، نسخه درستی باشد». او اضافه کرد: «باید داده جمع کنیم، باید اطلاعات بگیریم، باید معاینه کنیم، باید عکس بگیریم، باید آزمایش کنیم، باید مشورت کنیم و بعد بتوانیم این داده‌ها و این اطلاعات را به یک دستورالعمل اجرایی و برنامه تبدیل کنیم». به گفته رئیس‌جمهور، «برای این مسئله هم باید همین کار را کنیم. باید دریابوریم گیر ما کجاست، مشکل کجاست، چه باید کرد و برای چه باید کرد. باید دست‌به‌دست هم بدهیم و جلو برویم و مشکلات را حل کنیم».

رئیس‌جمهور با اشاره به نقش دانشگاه‌ها گفت: «دانشگاه به نظر من، از اول گفته‌ام و الان هم معتقدم، جایی است که می‌تواند برای اینها نسخه درست بنویسد؛ به شرط‌ها و شروط‌ها. در خود دانشگاه بتوانیم با همدیگر گفت‌وگو کنیم». او با یادآوری توصیه‌های مکرر رهبر انقلاب درباره آزاداندیشی، پرسید: «چرا باید با هم گفت‌وگو کردن را بلد نباشیم و با هم دعوا کنیم؟ چرا نمی‌توانیم حرف دانشجو را، حرف آن یکی را، بشنویم و بعد براساس همان روش‌های علمی پاسخ بدهیم؟»

او بار دیگر بر ضرورت خودانتقادی تأکید کرد و گفت: «اگر قرار است نقدی صورت بگیرد، ابتدا باید خودمان را نقد کنیم. چرا با وجود پیشینه عمیق دینی، اعتقادی و فرهنگی‌مان و با این همه سابقه و قدمت در حکمت و اندیشه، برآیند کارمان به وضعیتی منجر شده که امروز شاهد آن هستیم؟ چرا گاهی نمی‌توانیم با یکدیگر گفت‌وگو کنیم؟ چرا مسائل را شفاف و روشن با مردم در میان نمی‌گذاریم تا مشخص شود چه اتفاقی افتاده، چه کسی مسئول بوده، ریشه مشکل کجاست و چگونه باید آن را درمان کرد؟»

پزشکیان در پایان گفت: «این ذهنیت موجود در جامعه ما به‌هر حال زخم برداشته است. اینکه چه راه‌حلی برای درمان این زخم وجود دارد، برمی‌گردد به اینکه شما، اساتید، دانشجویان، بزرگان دین و باور، برایش مرهمی تعریف کنید و مرهمی بگذارید. اگر ما این زخم را تبدیل به مرگی منجر به نابودی کنیم، معلوم است که طبابت بلد نیستیم؛ یعنی طبابت اجتماعی بلد نیستیم و نمی‌دانیم با یک پاتولوژی و یک بیماری چگونه باید برخورد کرد».

می‌گیرند و لازم است به‌نوعی در چارچوب سیاست‌های جبرانی دیده شوند.

رئیس مجلس همچنین به تکالیف قانونی دستگاه‌ها در حوزه تبادل داده، اشاره کرد و گفت براساس طرح «دوام» ۲۳ یا ۲۵ دستگاه مکلف هستند، اطلاعات را به‌صورت برخط در اختیار وزارت رفاه قرار دهند. قالیباف تصریح کرد: «کسانی که اطلاعات را به وزارت رفاه نمی‌دهند، خلاف قانون عمل می‌کنند». و از کمیسیون اصل ۹۰ خواست، دستگاه‌هایی که داده‌ها را به‌صورت برخط در اختیار سازمان رفاه ایرانیان نمی‌گذارند، پیگیری کند.

قالیباف در پایان با تأکید بر اینکه «خانواده» باید محور تصمیم‌گیری‌ها باشد و وزیر نیز به این موضوع واقف است، ابراز امیدواری کرد که منابع در قالب سیاست‌های جبرانی به‌صورت عادلانه و به‌موقع توزیع شود و دولت و مجلس هم‌مسیر و هماهنگ این روند را پیش ببرند. اختصار دیروز رئیس مجلس به وزیر کار، علاوه بر بازتاب یک اختلاف اجرایی، مطالبه‌ای مشخص برای بازتعریف دهک‌بندی بر پایه توان واقعی اقتصادی و تکمیل زنجیره داده‌های برخط بود تا هدف‌گیری یارانه‌ها دقیق‌تر شود. حالا توپ در زمین وزارت رفاه است تا نشان دهد این «آخرین تذکر» به اصلاح عملی منجر خواهد شد یا به چالشی تازه بر سر عدالت در توزیع یارانه‌ها تبدیل می‌شود.

داده‌هایی که تصویر دقیق‌تری از توان اقتصادی خانواده‌ها ارائه می‌دهد. او گفت که براساس همین خوشه‌بندی، خوشه اول که بیشترین جمعیت را دربرمی‌گیرد و شامل افراد فقیر و بعضاً در فقر مطلق است ۳۴ درصد جمعیت را تشکیل می‌دهد؛ یعنی حدود ۳/۵ دهک جمعیتی کشور در خوشه نخست قرار دارند. در مقابل، خوشه هشتم تنها حدود ۴۰۰ هزار نفر را شامل می‌شود و نه ۱۰ میلیون نفر.

محور اصلی نقد قالیباف، تفاوت میان دهک جمعیتی و دهک اقتصادی بود. او با اشاره به برنامه هفتم توسعه ایران گفت در این برنامه دهک‌ها با نگاه اقتصادی تعریف شده‌اند اما در عمل به تقسیم‌بندی جمعیتی تقلیل یافته‌اند؛ موضوعی که هم نارضایتی ایجاد کرده و هم اثربخشی منابع محدود را کاهش داده است. از منظر مجلس، مبنای قانونی برای نگاه اقتصادی به دهک‌ها وجود دارد اما در اجرا این نگاه به تقسیم‌بندی صرفاً جمعیتی لغزیده است که این لغزش، هم نارضایتی ایجاد می‌کند و هم اثربخشی منابع محدود را کاهش می‌دهد. در نتیجه، وقتی معیار توان واقعی اقتصادی نباشد، سیاست جبرانی به‌جای ترمیم شکاف، آن را بازتولید می‌کند. قالیباف تأکید کرد قطعاً کسی که در فقر مطلق است با فردی که درآمد متوسط دارد، متفاوت است و سیاست‌های جبرانی باید این تفاوت را منعکس کند. در عین حال افزود همه کارمندان و کارگران در این مجموعه قرار

آخرین تذکر!

قالیباف به وزیر کار برای اصلاح خطای دهک‌بندی‌ها هشدار داد

گروه سیاسی: در میانه تورمی که نفس معیشت را تنگ کرده، رئیس مجلس روز گذشته در صحن علنی با لحنی هشدارآمیز وزیر کار را خطاب قرار داد و گفت: «این آخرین بار است که درباره دهک‌بندی تذکر می‌دهیم». خطاب محمداقرا قالیباف به احمد میدری، اعلام یک خط‌کشی روشن میان تکلیف قانونی و مدیریت سلیقه‌ای یارانه‌ها بود، به این معنا که سیاست جبرانی بدون داده دقیق، نه عادلانه است و نه کارآمد.

قالیباف تصریح کرد: «ما رقم‌های قابل‌توجهی یارانه مکلف هستیم بدهیم، نه اینکه این کار را با منت انجام دهیم بلکه وظیفه ماست که با سیاست‌های جبرانی، قدرت خرید خانوار را در تورم پر شدت حفظ کنیم که باید با اطلاعات دقیق انجام شود» و با اشاره به مراجعات مکرر وزیر به مجلس و وعده‌های پیشین او تأکید کرد: «اشکال این است و بارها از آقای میدری خواستیم و دو سه نوبت ایشان به صحن علنی مجلس آمدند و به ما قول دادند، الان دهک‌های ما دهک‌های جمعیتی هستند و هیچ نسبتی با قدرت خرید و اقتصادی ندارند». به گفته او، این خطا در تعریف و اجرا باعث شده، مبنای پرداخت یارانه‌ها با توان واقعی اقتصادی خانوارها همخوان نباشد.

رئیس مجلس در ادامه به داده‌های موجود در سامانه رفاه ایرانیان اشاره کرد و توضیح داد که طی سال‌های اخیر ۸ خوشه اطلاعاتی از وضعیت اقتصادی خانوارها جمع‌آوری شده است؛

رئیس‌جمهور بی‌نزاکت

واکنش اوباما به رفتار ترامپ

گروه بین‌الملل: باراک اوباما، رئیس‌جمهور اسبق آمریکا به ویدئوی نژادپرستانه منتشر شده توسط «دونالد ترامپ»، رئیس‌جمهور کنونی آمریکا که او و «میشل اوباما» بانوی اول سابق را به‌عنوان میمون به تصویر می‌کشد، پرداخته و رفتار جانشین خود را «عمیقاً نگران‌کننده» خوانده است. این فیلم، خشم دو حزب اصلی آمریکا را برانگیخته است. برایان تایلر کوهن، روزنامه‌نگار آمریکایی خطاب به اوباما گفت: «همین چند روز پیش دونالد ترامپ تصویری از شما، صورتان را روی بدن یک میمون گذاشت بنابراین دوباره، ما شاهد نوعی انحراف از گفتمان بوده‌ایم. چگونه می‌توانیم از جایی که در آن افتاده‌ایم، برگردیم؟»

اوباما پاسخ داد: «اول از همه، فکر می‌کنم مهم است که تشخیص دهیم اکثر مردم آمریکا این رفتار را عمیقاً نگران‌کننده می‌دانند. درست است که توجه را جلب می‌کند، درست است که حواس‌پرتی ایجاد می‌کند اما همانطور که من در سراسر کشور سفر می‌کنم و همانطور که شما در سراسر کشور سفر می‌کنید و با مردم ملاقات می‌کنید، متوجه شدید که آنها هنوز به نجات، ادب و مهربانی اعتقاد دارند.»

باراک اوباما گفت که نوعی «نمایش دلک» در رسانه‌های اجتماعی و تلویزیون در حال اجراست و افزود: «آنچه درست است، این است که به‌منظر نمی‌رسد در بین افرادی که قبلاً احساس می‌کردند باید نوعی ادب و نزاکت و احترام به مقام و جایگاه ریاست جمهوری داشته باشند از این بابت شرمسار باشند. بنابراین، این [احساس] از بین رفته است». اوباما نامی از ترامپ نبرد اما این اولین باری است که او علناً در مورد این ویدئو صحبت می‌کند. پیش‌تر ترامپ با استفاده از هوش مصنوعی، باراک و میشل اوباما را در هیبت «میمون» به تصویر کشیده و کلیپی در تروث‌سوشال منتشر کرد و بار دیگر مدعی شد که در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۲۰ تقلب شده بود. ترامپ بعداً بدون اینکه عذرخواهی کند، گفته بود ویدئو را کامل تماشا نکرده بود. کاخ سفید هم از ترامپ حمایت کرد. این کلیپ به سرعت محکوم شد و «گوین نیوسام» فرماندار کالیفرنیا و از رهبران دموکرات‌ها و منتقدان همیشگی ترامپ از طریق دفتر مطبوعاتی خود اعلام کرد: «رفتار منجرکننده‌ای از سوی رئیس‌جمهور. تک‌تک جمهوری‌خواهان باید همین حالا این اقدام را محکوم کنند». بخشی دیگر از اظهارات اوباما نیز جنجالی بود. او به

چندین دهه گمانه‌زنی درباره بیگانگان فضایی پاسخ داد و گفت: «بیگانگان فضایی، واقعی هستند اما من آنها را ندیده‌ام و آنها در منطقه ۵۱ نگهداری نمی‌شوند». به نوشته روزنامه ایندپندنت، این اظهارنظر از سوی اوباما درحالی مطرح شده که ایده تأسیسات محل نگهداری بقایای موجودات فضایی و اشیاء پرنده ناشناس (UFO) در زیر پایگاه نظامی بسیار محرمانه منطقه ۵۱ در جنوب نوادا وجود دارد، مدت‌هاست که ذهن نظریه‌پردازان توطئه را به خود مشغول کرده است.

اظهارات اوباما در مورد منطقه ۵۱ و موجودات فضایی چند ماه پس از آن مطرح می‌شود که کارگردان یک مستند، با ادعای لاپوشانی گسترده دولت در مورد اطلاعات غیرانسانی، اظهار

کرد که «دونالد ترامپ» رئیس‌جمهور کنونی ایالات متحده ممکن است به‌زودی وجود اشکال حیات فرازمینی را تأیید کند. اوباما همچنین به سرکوب اخیر مهاجران و برخورد شدید مأموران اداره گمرکات و مهاجرت آمریکا در مینه‌سوتا پرداخت و عملیات آنها را در این شهر محکوم و آن را با رفتارهایی که در حکومت‌های دیکتاتوری شاهدیم، مقایسه کرد. اوباما در ادامه صحبت‌هایش اقدامات نیروهای مهاجرت را غیرقانونی توصیف کرد و رفتار مأموران فدرال از جمله دو تیراندازی مرگبار که باعث افزایش فشارها بر سرکوب گسترده معترضان توسط دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا شد را از آن نوع رفتارهایی خواند که «در گذشته در کشورهای اقتدارگرا و در دیکتاتوری‌ها دیده‌ایم».

دیپلماسی

پیشرفت مهم در مذاکرات

غنی‌سازی صفر درصد از دستور کار خارج شد



گروه بین‌الملل

درحالی که جغرافیای سیاسی منطقه تحت‌تأثیر تنش‌های فزاینده، آرایش‌های جنگی به‌خود گرفته، مجید تخت‌روانچی، معاون وزیر امور خارجه، در گفت‌وگویی تفصیلی با شبکه بی‌بی‌سی به تشریح دقیق مواضع تهران پرداخته است. این مقام ارشد دستگاه دیپلماسی که در قلب تهران سخن می‌گفت با صراحت دیپلماتیک تأکید کرد که اراده جمهوری اسلامی برای دستیابی به یک توافق عادلانه استوار است اما اکنون توپ در زمین ایالات متحده قرار دارد تا صدق گفتار خود را در عمل به اثبات برساند. روانچی با اشاره به مذاکرات غیرمستقیم اخیر در عمان، فضای آن گفت‌وگوها را «کمابیش مثبت» ارزیابی کرد اما با احتیاطی حرفه‌ای، قضاوت نهایی را به آینده موکول کرد. او در آستانه دور دوم این گفت‌وگوها در ژنو حامل پیامی کلیدی بود: ایران آمادگی دارد درباره موضوعات حساسی نظیر غنی‌سازی ۶۰ درصد و دیگر ابعاد برنامه هسته‌ای خود وارد گفت‌وگو شود، مشروط بر آنکه طرف مقابل آمادگی واقعی برای بحث درباره لغو تحریم‌ها را داشته باشد. این رویکرد نشان‌دهنده یک استراتژی «گام در برابر گام» است که در آن رقیب‌سازی ذخایر اورانیوم با غنای بالا به‌عنوان یک ابزار چانه‌زنی قدرتمند در برابر شریان‌های اقتصادی تحریم مطرح شده است.

با این حال، هسته سخت این مناقشه همچنان بر سر مفاهیم بنیادینی چون «حق غنی‌سازی» استوار است. تخت‌روانچی با تأکید بر حقوق صلح‌آمیز ایران در چارچوب پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) به‌طور قاطع اعلام کرد که دوران مطالبات غیرواقع‌بینانه‌ای نظیر «غنی‌سازی صفر» به پایان رسیده و این موضوع دیگر حتی به‌عنوان یک گزینه روی میز مذاکره قرار ندارد. این موضع‌گیری درست در تقابل با اظهارات اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا قرار می‌گیرد که بار دیگر بر خواسته حداکثری خود مبنی بر توقف کامل هرگونه غنی‌سازی در ایران تأکید کرده است. این تناقض آشکار میان «حق بومی ایران» و «میل انحصارطلبانه آمریکا»، به‌عنوان یکی از اصلی‌ترین سنگلاخ‌های مسیر پیشرفت مذاکرات خودنمایی می‌کند. فراتر از پرونده هسته‌ای، معاون وزیر خارجه ایران با قاطعیت هرگونه مذاکره پیرامون توانمندی‌های موشکی را رد کرد و با یادآوری حملات اخیر رژیم صهیونیستی و آمریکا، موشک‌ها را استون فقرات دفاع از تمامیت ارضی کشور

دانست که محرومیت از آنها در شرایط تهدید وجودی با هیچ منطق ملی سازگار نیست.

در جبهه مقابل، واشنگتن بازی را در دو لایه «دیپلماسی خصوصی» و «فشار عمومی» پیش می‌برد. درحالی که پیام‌های ارسالی از طریق مسقط حاکسی از تمایل به حل مسالمت‌آمیز است، حضور نظامی آمریکا در منطقه به شکل بی‌سابقه‌ای تقویت شده است. تخت‌روانچی ضمن ابراز نگرانی از این پیام‌های متناقض، هشدار داد که اگر حضور بیش از ۴۰ هزار سرباز آمریکایی در منطقه به‌عنوان یک تهدید وجودی لمس شود، پاسخ ایران متناسب و قاطع خواهد بود. او به صراحت اعلام کرد که در صورت بروز هرگونه حماقت نظامی، پایگاه‌های آمریکا در منطقه اهدافی مشروع خواهند بود و جنگ احتمالی برای آغازگران آن فاجعه‌بار و دردناک تمام می‌شود. در این میان، حضور جرد کوشنر در دور اخیر



مذاکرات، از سوی تهران به‌عنوان نشانه احتمالی جدیت بیشتر تعبیر شده اما همزمان این نگرانی وجود دارد که تغییر مواضع و تفاسیر واشنگتن در فواصل میان دورهای مذاکراتی، مجدداً روند گفت‌وگوها را به بن‌بست بکشاند.

روایت رسانه‌های غربی نیز بر این فضای ملتهب دامن می‌زند: اکسیوس با تکرار ترجیع‌بند «توپ در زمین ایران است» به نقل از مقامات آمریکایی مدعی شد که واشنگتن در ژنو تنها به‌دنبال پاسخ قطعی ایران به پیام‌های قبلی است و هیچ پیشنهادی مبنی بر تعلیق ۵ ساله غنی‌سازی روی میز نیست. این درحالی است که دونالد ترامپ با ادبیاتی تهاجمی از نابودی احتمالی بقایای تأسیسات هسته‌ای سخن گفته و اعزام ناو هواپیمابر «جرالد فورد» به منطقه را اهرمی برای اجبار ایران به پذیرش توافقی می‌داند که به‌زعم او باید در بار اول ارائه می‌شد. ترامپ با پیوند زدن مأموریت ناوگردهای «آبراهام لینکلن» و «جرالد فورد» به نتایج مذاکرات عملاً از دیپلماسی به‌عنوان ابزاری در خدمت تهدید نظامی بهره می‌گیرد. او معتقد است

اگر مذاکرات موفق نشود، روز بدی برای ایران در پیش خواهد بود، پیامی که نشان‌دهنده بازگشت به سیاست لبه پرتگاه در روابط بین‌الملل است.

در این میان، رابرت مالی، مذاکره‌کننده باسابقه آمریکایی، با نگاهی واقع‌بینانه در فضای مجازی نسبت به پیامدهای این فشار فزاینده هشدار داده است. او معتقد است، وقتی رهبران ایران ضمانتی برای بقای توافقی‌ها یا امنیت نظام خود نمی‌بینند، انگیزه برای مصالحه به شدت کاهش می‌یابد. همزمان با این تلاطم‌های دیپلماتیک و نظامی، لایه سومی از فشار در قالب تحرکات سیاسی اپوزیسیون خارج از کشور و مواضع تند مقامات اروپایی و کانادایی پدیدار شده است. فراخوان‌های خیابانی در مونیخ، تورنتو و لس‌آنجلس همزمان با کنفرانس امنیتی مونیخ و اظهارات صریح آنتیا آتاند، وزیر خارجه کانادا و فردریش مرس دربارۀ عدم مشروعیت و شمارش معکوس برای حکومت ایران، نشان می‌دهد که مذاکرات ژنو در محیطی برگزار می‌شود که فشار سیاسی بین‌المللی با تهدیدات نظامی پنتاگون گره خورده است.

برآیند تحولات اخیر نشان می‌دهد که تقابل تهران و واشنگتن به نقطه‌ای رسیده که در آن «دیپلماسی» دیگر نه یک انتخاب بلکه تنها راه گریز از یک انفجار منطقه‌ای غیرقابل کنترل است. با این حال آنچه مذاکرات ژنو را از ادوار پیشین متمایز می‌کند، تغییر ماهیت ابزارهای فشار است. واشنگتن با ترکیبی از «دیپلماسی خانوادگی» (کوشنر)، «تهدیدات سخت‌افزاری» (ناوهای هواپیمابر) و «فشار سیاسی بین‌المللی» در پی تحمیل روایتی جدید

است که در آن ایران باید میان بقای اقتصادی و اقتدار دفاعی یکی را برگزیند. در مقابل، استراتژی تهران نشان‌دهنده عدم عقب‌نشینی از مواضع اولیه است؛ تخت‌روانچی با مشروط کردن غنی‌سازی ۶۰ درصد به لغو تحریم‌ها، از یک‌سو دست برتر فنی ایران را به رخ می‌کشد و از سوی دیگر با تثبیت خط قرمز موشکی، امکان هرگونه معامله بر سر امنیت ملی را از پیش منتفی می‌کند. هشدار رابرت مالی درباره «بن‌بست انگیزه»، کلید درک بحران کنونی است؛ تازمانی که واشنگتن میان «تغییر رفتار» و «تغییر نظام» تمایز قائل نشود، هرگونه توافق موقت، تنها آتش‌بسی لرزان خواهد بود. در نهایت نشست ژنو بیش از آنکه محلی برای نگارش متن جدید باشد، عرصه‌ای برای سنجش این واقعیت است که آیا ترامپ توان پذیرش ایران هسته‌ای (در سطح دانش و غنی‌سازی محدود) را دارد یا خیر. در غیاب این ادراک مشترک، حرکت ناوها به سمت خلیج فارس و میزهای مذاکره در سوئیس، تنها دو روی سکه‌ای هستند که بر لبه باریک صلح و جنگ درحال چرخش است.

آسیا

دعوی نفطی چین و تایوان

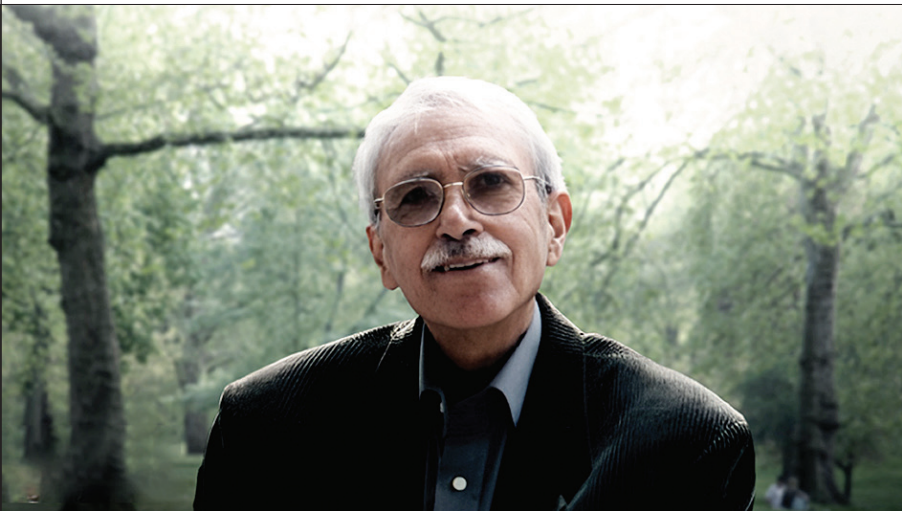
هرگز به چین تعلق نداشته‌ایم!

«وانگ یی»، وزیر امور خارجه چین روز شنبه در جریان سخنرانی خود در کنفرانس امنیتی سالانه مونیخ، هشدار داد برخی کشورها «در تلاش برای جدا کردن تایوان از چین هستند» و ژاپن را یکی از این کشورهایی که عامل تنش‌آفرینی بر سر مسئله تایوان هستند، خواند. وانگ یی همچنین بر اهمیت حفظ منشور سازمان ملل تأکید کرد. «لین چیا-لونگ»، وزیر امور خارجه تایوان در بیانیه‌ای در واکنش به صحبت‌های وانگ یی ادعا کرد: «چه با در نظر گرفتن حقایق تاریخی، چه با در نظر گرفتن واقعیت ملموس یا تحت قوانین بین‌المللی، حاکمیت تایوان هرگز به جمهوری خلق چین تعلق نداشته است». این اظهارات وزیر خارجه تایوان درحالی مطرح شد که چین همواره این جزیره خودمختار را بخشی از خاک خودش دانسته اما دولت کنونی تایوان این دیدگاه را مردود دانسته و می‌گوید، آینده تایوان باید توسط مردم خود این جزیره رقم بخورد. لین در ادامه حملاتش علیه وانگ یی مدعی شد: «وانگ یی با افتخار کردن به حفظ اهداف منشور سازمان ملل، کشورهای دیگر را به‌خاطر تنش‌های منطقه‌ای مقصر دانسته است. در حقیقت چین اخیراً دست به تحریکات نظامی در مناطق اطراف زده و بارها علناً اصول منشور سازمان ملل را درخصوص خودداری از استفاده از قوای قهریه یا تهدید به استفاده از آن نقض کرده است. بار دیگر ذهنیت هژمونی آن و اینکه حرف‌هایش با اعمالش همخوانی ندارند، برملا شد». آخرین دور از رزمایش‌های چین در اطراف تایوان مربوط به ماه دسامبر است. مقام‌های ارشد تایوان از جمله «الین چیا-لونگ» برای شرکت در کنفرانس امنیتی مونیخ دعوت نشده‌اند. چین تأکید داشته، تایوان در پایان جنگ جهانی دوم در سال ۱۹۴۵ از سوی ژاپن به حاکمیت پکن «بازگردانده شد» و به چالش کشیدن این حقیقت به منزله به چالش کشیدن نظم بین‌المللی پس از جنگ جهانی دوم و حاکمیت چین است. در مقابل دولت تایوان مدعی است این «بازگردانده شدن» به جمهوری چین که در آن زمان به جای نظام «جمهوری خلق چین» وجود داشت، صورت گرفته بنابراین نظام فعلی پکن حق ادعای حاکمیت بر تایوان را ندارد.



پیش‌رو و پیش‌گو

روایت مهناز مقدسی از سیر تهیه و انتشار شناخت‌نامه کریم امامی



نام «کریم امامی» در حافظهٔ فرهنگی ایران معاصر با مفاهیمی چون دقت، تخصص و نگاه نظام‌مند گره خورده است. او فقط مترجمی چیره‌دست یا ویراستاری دقیق نبود، بلکه معمار ساختارهایی بود که هنوز هم پس از دهه‌ها، فعالان حوزه فرهنگ از مواهب آن بهره‌مندند. کتاب «شناخت‌نامهٔ کریم امامی؛ آن ساده بسیار نقش»، به گردآوری مهناز مقدسی و منتشرشده در انتشارات نیلوفر، ثمرهٔ یک تلاش پژوهشی هوشمندانه است که قصد دارد غبار زمان را از چهرهٔ مردی بزدايد که در چندین حوزهٔ هنری و ادبی، استاندارد آفرین بود.

مهناز مقدسی، در مقام تدوین‌گر این اثر و دبیر انجمن صنفی ویراستاران، با رویکردی متفاوت به سراغ اسناد خصوصی و آرشیوهای عمومی رفته است. او در گفت‌وگو با اپینا، از فرآیند تبدیل شدن دست‌نوشته‌های شخصی به یک منبع آموزشی سخن می‌گوید. از روزهایی که همراه با گلی امامی، میان انبوه یادداشت‌ها به‌دنبال ردی از نگاه نوگرایی کریم امامی می‌گشتند تا رسیدن به ساختاری که در آن هر فعالیت امامی (از عکاسی و شطرنج گرفته تا مدیریت در انتشارات فرانکلین و سروش) به مثابهٔ یک درس‌گفتار روایت می‌شود. مقدسی معتقد است اهمیت امامی نه فقط در کارهای انجام شده، بلکه در «چگونه انجام دادن» آن‌هاست.

تجربه‌ای منحصر به فرد

مهناز مقدسی دربارهٔ این که چه انگیزه‌ای باعث شد به سراغ گردآوری شناخت‌نامه‌ای دربارهٔ کریم امامی برود، می‌گوید: «زمانی که خانم امامی، رئیس هیأت‌مدیرهٔ انجمن، اسناد و دست‌نوشته‌های آقای امامی را برای نگهداری به ما سپردند، به نظرمان آمد آن‌ها را در جایی منتشر کنیم. رفته‌رفته دیدیم که مطالب ظرفیت این را دارد که در قالب کتاب آن‌ها را منتشر کنیم و البته که چندین ماه دربارهٔ ساختار آن با خانم امامی صحبت شد و پیشنهاد من این بود که کتاب متفاوتی را تدوین کنیم که مثل یادنامه‌های مرسوم نباشد که یا حاوی مقالاتی دربارهٔ آن شخص است یا اصلاً ربطی به آن شخص ندارد و افراد مقالاتی را برای احترام تقدیم می‌کنند. این کتاب برای من تجربه‌ای منحصر به فرد بود که در کنار خانم امامی، که مستقیماً به آقای امامی ربط داشتند، آن را تدوین کنم. اگر بخوام انگیزهٔ اصلی خودم را برای تدوین این کتاب بگویم، ادای احترام بود به خانوادهٔ امامی و تهیهٔ کتابی که ساختار و محتوایش برای مخاطبان جذاب باشد و آنان را به خواندن و تجربه‌اندوزی ترغیب کند چون این کتاب که در قالب زندگی‌نامه است، مطالبی برای یادگیری دارد، از جمله مطلبی که دربارهٔ تاریخ عکاسی نوشته شده یا اطلاعاتی که دربارهٔ نقاشی‌های قهوه‌خانه‌ای،

یا ترجمهٔ خوب و ترجمهٔ بد و نقد ترجمه نوشته شده که وجه آموزشی دارد. یافتن مطلب و جداکردن مطالب از هم کمی زمان‌بر بود و وسواسی که من و خانم امامی و دیگر همکارانم در تدوین کتاب داشتیم باعث می‌شد که دائم

مطالب کتاب را کم و زیاد کنیم. یکی دو قسمت از کتاب هم مثل عکاسی و کتاب‌فروشی «زمینه» بود که مطلبی از آقای امامی نداشتیم و به ناچار از زبان کسانی دیگر آن دو قسمت را نوشتیم. این‌که توانمندی و مشاغل فرهنگی آقای امامی را ذیل عناوینی قرار دادم، به نظر کاری متفاوت بود که بتوانم کتاب را مثل داستان کوتاه تدوین کنم: شطرنج، فیلم‌سازی، عکاسی، انتشارات فرانکلین، انتشارات سروش، انتشارات زمینه، کتاب‌فروشی زمینه و مواردی دیگر که هر قسمت را باز کنید روایت آن موضوع را می‌خوانید.» او دربارهٔ معیارهای انتخاب مطالب و منابع کتاب هم می‌گوید: «در انتخاب مطالب دو رویکرد داشتیم یکی این‌که روایت مستقیم آقای امامی را دربارهٔ این‌که چطور وارد آن شغل یا حوزهٔ کاری شده استخراج کنم و دیگر این‌که بخش‌های تأثیرگذار نوشته‌هایشان را که جنبهٔ یادگیری دارد حتماً بیاورم. منابع اصلی کتاب چند مصاحبه بود که آقای آذرنگ و آقای خزاعی‌فر با ایشان کرده بودند و مطالبی که در جلد اول کتاب از پست و بلند ترجمه آمده بود. در چند مقاله هم که دیگران برای ایشان در چند مجله منتشر کرده بودند مطالبی بود که بسیار به کارم آمد. اطلاعات دیگر را از مدارک و اسنادی که خانم امامی در اختیارم گذاشتند، استخراج کردم. معیارم برای انتخاب این مطالب این بود که کتاب خوش‌خوان و جذاب باشد و با مخاطبان جوان امروز ارتباط برقرار کند.»

پیش‌رویی و پیش‌گویی امامی

مهناز مقدسی دربارهٔ این‌که این شناخت‌نامه بیش از همه کدام وجه از شخصیت یا فعالیت‌های کریم امامی را برجسته می‌کند، می‌گوید: «آقای امامی در چندین حوزه فعالیت کردند و در برخی از آن‌ها بسیار تأثیرگذار بودند که یکی از آن‌ها مدیریت بخش ویرایش مؤسسهٔ فرانکلین بود و نظام‌مند کردن ترجمه و ویرایش، دیگری نظام‌مند کردن آموزش‌های حوزهٔ ترجمه و ویرایش و نشر بود. البته که نقدهای هنری ایشان الگویی نقدی بر طرانه و دقیق است که حتی امروز هم کمتر شبیه آن را می‌بینیم. مجزا کردن این‌که کدام وجه از شخصیت ایشان برجسته بود کار ساده‌ای نیست چون در هر جا که بودند تأثیرشان را گذاشتند و وقتی رفتند هم چنان آثار مثبت ایشان در ذهن همکاران و همراهان‌شان باقی ماند. در خیلی موارد حس کردم آقای امامی در زمان خود نگاه جامع و وسیعی به موضوعات داشته و خیلی هم تلاش کرده که این نگاه را در مقالاتش منعکس کند. توجهش به کپی‌رایت، مشکل نشر کتاب و پخش و کتابفروشی، توجهش به نقد ترجمه و ضرورت تشکیل انجمن یا تشکل‌های قوی در نشر برای تصمیم‌گیری‌های بهتر و شورایی. همهٔ این‌ها برایم ارزش داشت و حتی یک بار این را در جمعی مطرح کردم که آیا آقای امامی در این زمینه‌ها پیش‌گویی کرده‌اند یا وضعیت نشر ما را کند مانده که صحبت‌های‌شان هنوز قابل ارائه است و تاریخش نگذشته.»



تقدیر از فانی و پرهام

اختتامیهٔ شانزدهمین دورهٔ جشنوارهٔ بین‌المللی فارابی

سمت حقیقت و عدالت نیز بدون اقناع مردم ممکن نیست.» سیمایی صراف رخدادهایی مانند تجاوز ظالمانه رژیم صهیونیستی را همبستگی آفرین دانست و گفت: «همهٔ نهادهای قدرت باید نشان دهند که ایران با همهٔ تنوع‌های فرهنگی و عقیدتی خانهٔ مشترک همهٔ ماست. اگر می‌خواهیم همه پای کار ایران بیایند، راه چاره آن است که هیچ گروهی احساس طردشدگی نکند و همه خود را سهیم در آبادانی کشور بدانند.» سیمایی صراف به تعبیر یکی از اندیشمندان علوم انسانی که اکنون دور از وطن است اشاره کرد و گفت: «به تعبیر وی باید از گذشته‌گرایی دست برداریم؛ نباید اسیر گذشته شد. برخی با نوستالژی‌سازی و اسطوره‌پردازی از گذشته و تحریف تاریخ و سوءاستفاده از برخی تاکامی‌های موجود، تلاش کردند نسل جوان را در حسرت گذشته فرو برند. علوم انسانی به ما می‌آموزد اگر تاریخ را نه با حسرت و نه با نفرت، بلکه منصفانه با همه قوت‌ها و ضعف‌ها روایت کنیم مجالی برای اسطوره‌سازی‌های تحریف شده باقی نمی‌ماند. باید به یافته‌های علمی و نه سفارشی تکیه کرد و همهٔ صداها را شنید. سیاست‌گذاری بدون شنیدن، به حدس زدن تبدیل می‌شود و حدس زدن برای ادارهٔ جامعه رهنز است؛ وای بر صداهایی که شنیده نشود.» وحید شالچی، معاون فرهنگی و اجتماعی وزارت علوم هم در مراسم اختتامیهٔ شانزدهمین جشنواره بین‌المللی فارابی در مورد آثار ارسالی به دبیرخانه جشنواره گفت: «در این دوره ۴۴۲۶ اثر به دبیرخانهٔ جشنواره ارسال شد که پس از بالایش اولیه ۱۲۵۷ اثر به مرحلهٔ داوری راه یافتند. این میزان در مقایسه با دوره قبل، رشد ۷۰ درصدی داشته که بیان‌کننده پویایی حوزهٔ علوم انسانی و اسلامی در کشور است. شالچی دربارهٔ فرآیند داوری آثار ارسالی به دبیرخانهٔ جشنواره گفت: «تیرماه سال جاری شورای علمی جشنواره با حضور مدیران و استادان شاخص حوزه علوم انسانی تشکیل شد و گروه‌های علمی با انتخاب اعضای خود از میان دانشگاهیان و حوزویان سراسر کشور، فرآیند ارزیابی و داوری آثار را آغاز کردند. در نهایت پس از صرف هزاران نفرساعت کار کارشناسی و داوری، ۲۰ اثر به‌عنوان آثار برگزیده انتخاب شدند.» او در مورد فرآیند داوری و ارزیابی بخش بین‌المللی جشنوارهٔ فارابی هم گفت: «در این بخش ۲۰۲ اثر خارجی در حوزه‌های ایران‌شناسی و اسلام‌شناسی دریافت شد که پس از بررسی‌های اولیه، ۱۵ اثر به مرحله داوری راه یافت و در نهایت شورای

اختتامیهٔ شانزدهمین دورهٔ جشنوارهٔ بین‌المللی فارابی، صبح یک‌شنبه در تالار علامه امینی دانشگاه تهران برگزار شد و برگزارشدگان این دوره با حضور رئیس‌جمهور، وزیر علوم، تحقیقات و فناوری، حداد عادل، رئیس فرهنگستان زبان و ادب فارسی، حجت‌الاسلام والمسلمین مصطفی رستمی، رئیس نهاد نمایندگی رهبری در دانشگاه‌ها، وحید شالچی، معاون فرهنگی و اجتماعی وزیر و جمعی از دانشمندان برجستهٔ علوم انسانی معرفی و مورد تقدیر قرار گرفتند. از نکات قابل توجه این دوره تقدیر از دو چهرهٔ تازه‌گذشته حوزه کتاب‌داری و ترجمه، کامران فانی و سیرویس پرهان به‌عنوان شخصیت پیشگام علوم انسانی و اسلامی و هم‌چنین برگزیده سوم اعلام شدن آرش رئیسی‌نژاد در گروه علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای است. این درحالی است که رئیسی‌نژاد اسفند ۱۴۰۱ از استادیاری دانشگاه تهران معلق شد و در حال حاضر به عنوان پژوهش‌گر مهمان در مرکز خاورمیانه دانشگاه علوم اقتصاد و سیاسی لندن و گروه حکمرانی دانشگاه هاوارد فعالیت می‌کند.

ضرورت اصلاح حکمرانی و عذرخواهی صادقانه

حسین سیمایی صراف در این مراسم با اشاره به لزوم اصلاح حکمرانی بر اساس علم و پاسخ‌گویی به افکار عمومی گفت: «ایران امروز بیش از همیشه نیازمند هم‌دلی، امید، انسجام و توسعه است؛ توسعه‌ای که محور آن به‌جای اشیاء و اعداد، انسان باشد. ما برای آبادانی به فهم مشترک و امید نیاز داریم. امید، با اصلاح حکمرانی علمی و اصلاح خطاها به سود ذی‌نفع اصلی سیاست‌ها یعنی مردم، به وجود می‌آید. با گام‌های مؤثر در اصلاح حکمرانی و با عذرخواهی صادقانه و عملی می‌توان همه را در همبستگی که به تعبیر مقام معظم رهبری؛ قیمتی‌ترین چیزهاست، شریک ساخت.»

سیمایی صراف با اشاره به نامهٔ امام علی (ع) به مالک اشتر، افزود: «اگر مردم گمان ستم درباره حاکم بردند، حاکم باید عذر خود را آشکار و شفاف بیان کند تا این گمان و سوءظن برطرف شود. این عذرخواهی و شفاف‌سازی هم ریاضت نفس است و هم مهر و مدارا با مردم و حاکم را در سوق دادن جامعه به سوی حقیقت و عدالت یاری می‌رساند. براساس فرمان امام علی (ع) صرفاً درست عمل کردن کافی نیست. پاسخ‌گویی به افکار عمومی نیز وظیفه حاکم است. حتی حرکت به

سینمای جهان

کلاه‌های لبه‌دار را از کمد بیرون بیاورید

فیلم پیکي بلاینדרز بالاخره به سینما می‌آید

کارگردان این سریال در ژانویه ۲۰۲۱ به مجله «ورایتی» گفت فیلم در مرحله توسعه است و افزود: «ایده کاملاً شکل گرفته، آغاز و میانه و پایان دارد و فکر می‌کنم پایان‌بندی مناسبی برای داستانی است که تا اینجا روایت شده». در مارس ۲۰۲۴، نایت خبر تازه‌ای داد و به رسانه «بیرمنگام‌وُردل» گفت فیلمبرداری از سپتامبر آغاز می‌شود. مدت کوتاهی بعد، نتفلیکس به‌طور رسمی ساخت فیلم را تأیید و تصویری از فیلم‌نامه را در شبکه اجتماعی ایکس منتشر کرد.

پلتفرم «تودوم» در دسامبر ۲۰۲۵ عنوان فیلم را «مرد جاودانه» اعلام کرد و خبر داد که فیلم ۶ مارس ۲۰۲۶ در تعدادی سالن سینما اکران می‌شود و سپس ۲۰ مارس در نتفلیکس در دسترس خواهد بود. تریلر فیلم نیز منتشر شده است. نایت در گفت‌وگو با مجله «امپایر» گفت: «امیدوارم حس پایان یک رمان را داشته باشد؛ فصل‌های پایانی یک

سریال پیکي بلاینדרز در فوریه ۲۰۲۲ به پایان رسید، اما طرفداران به‌زودی دوباره با این دار و دسته خیابانی دیدار می‌کنند؛ زمانی که فیلم «پیکي بلاینדרز: مرد جاودانه» در مارس ۲۰۲۶ ابتدا روی پرده سینما می‌رود و سپس از نتفلیکس پخش می‌شود.

این درام تاریخی را استیون نایت خلق کرده است، داستان در شهر بیرمنگام انگلستان می‌گذرد و خانواده شلیی را دنبال می‌کند که پس از جنگ جهانی اول، یک امپراتوری جنایی را در حوزه شرط‌بندی غیرقانونی و قاچاق مشروبات الکلی بنا می‌کنند. این مجموعه در شش فصل ساخته شد و کلیان مورفی در نقش تامی شلیی، رهبر پیکي بلاینדרز، ظاهر شد. در کنار او بازیگرانی چون هلن مک‌کروری، پل اندرسن، سوفی راندل، فین کول، تام هاردی و آنیا تیلور-جوی نیز حضور داشتند. اکنون پیکي بلاینדרز به سینما می‌آید. استیون نایت





شخصیت‌های اصلی را بازی کرد و در نقش یک بازرگان در سریال پرمخاطب دیگری به‌نام «بوعلی سینا» ایفای نقش کرد. اما آنچه در کارنامه کاری عنایت بخشی تبدیل به یک نقطه عطف شد، حضور در سریال «سایه همسایه» بود. در این سریال او در نقش آمیس‌را نصرالله معتمد محل و نقش اول سریال ظاهر شد. سریالی پرمخاطب که بیش از هر چیزی توجه بینندگان را به تفاوت نقش این بازیگر جلب کرد. واقعیت این است که مخاطبان گسترده سینما و تلویزیون، تصویری که از بازیگری چون عنایت بخشی داشتند، حضور در نقش‌های منفی بود اما در سایه‌همسایه او یک قهرمان کاملاً مثبت، معتمد محل و صاحب‌اعتبار بود. حتی شایعاتی در روزهای کم‌خبری و بی‌رسانه‌ای به‌وجود آمد که این سریال به‌نوعی توبه‌نامه این بازیگر از نقش‌های منفی به‌حساب می‌آید. هرچند این شایعات کاملاً با حقیقت حرفه بازیگری در تضاد بود و هر بازیگری در کارنامه‌اش دوست دارد و می‌تواند که نقش‌های متفاوتی بازی کند.

هرچند سریال «سایه همسایه» به‌معنای تغییر مسیر نهایی عنایت بخشی در انتخاب نقش نبود. او در چندین فیلم سینمایی در دهه شصت بازی کرد که اغلب آنها نقش‌های منفی بودند که گویی برای او نوشته می‌شدند. با این وجود، او در سریال امام علی ساخته داوود میرباقری، در نقش ابن‌وهب خوارج سرشناس بازی کرد که در جنگ نهروان کشته شد. او دو بار دیگر در مسافر ری و ساحره نیز با میرباقری همکاری کرد. سال ۱۳۷۰ برای بخشی سال پرباری بود؛ چراکه علاوه بر سریال امام علی، او در فیلم مسافران ساخته بهرام بیضایی بازی کرد. این اولین همکاری سینمایی بیضایی با این بازیگر بود اما ادامه داشت. او در فیلم «روز واقعه» که براساس نمایشنامه‌ای از بیضایی ساخته شد و همچنین فیلم سگ‌کشی به ایفای نقش پرداخت. در سگ‌کشی او نقش صبوری را بازی می‌کند. مردی که تنها بازار و پول برایش مهم است. یک مفسد اقتصادی که قصد دارد از ناصر معاصر انتقام بگیرد.

پرده سوم

سگ‌کشی محصول سال ۱۳۸۳ آخرین فیلم مهم عنایت بخشی است و او پس از آن فقط در سه فیلم دیگر بازی کرد. در دهه‌های هشتاد و ۹۰ هرچند در برخی سریال‌ها نقش داشت اما هیچ‌کدام در اندازه‌ای نبودند که نام او را دوباره در بین علاقه‌مندان زنده کند: «سینما از ابتدای دهه هشتاد شرایط خاصی را تجربه کرد. شرایطی که باعث شد تعداد زیادی نیروی جوان وارد پروژه‌های فیلمسازی شده و به این ترتیب، آدم‌های باتجربه‌ای مانند ما مجبور شدند از سینما فاصله بگیرند». این را در گفت‌وگویی در سال ۱۳۹۰ گفته است و تقریباً از همان دوران بود که او آرام‌آرام از صحنه کنار رفت.

سینمای ایران

بدرود عنایت‌خان

بازیگر نقش‌های دشوار از صحنه رفت

عنایت بخشی بازیگر نام‌آشنای سینما، تئاتر و تلویزیون ایران، روز گذشته (۲۶ بهمن) در سن هشتادسالگی درگذشت. این بازیگر در مدت حدود شصت سال در ۱۷۰ اثر نمایشی به ایفای نقش پرداخت و به قول بهرام بیضایی، بازیگری نبود که در پيله یک نقش پیوسد. بخشی بازیگری پرکار بود که زندگی حرفه‌ای دوگانه‌ای داشت.

پرده اول

عنایت بخشی در فروردین سال ۱۳۲۴ در طالقان به‌دنيا آمد و از دهه چهل با گروه ملی هنر و زیر نظر عباس جوانمرد به بازیگری روی آورد. از اواخر دهه چهل و با آغاز آنچه موج‌نو سینمای ایران نامیده شد، و پس از حضور در نمایش‌های مهمی چون مردگان بی‌کفن و دفن اثر ژان پل سارتر و به کارگردانی حمید سمندریان و چند همکاری با عباس جوانمرد، با فیلم هالو ساخته داریوش مهرجویی به سینما آمد.

در این فیلم مهم سینمای ایران، او نقش منفی داستان را بازی می‌کرد. مردی خشن و بی‌رحم که در برابر قهرمان ساده و دست و پاچلفتی قرار می‌گرفت. شاید همین ایفای نقش خوب بود که باعث شد بخشی دست‌کم تا سال ۱۳۵۷ یکی از بازیگران ثابت نقش‌های منفی باشد. از فیلم‌های کم‌دی صمد گرفته تا سینمای نوپای امیر نادری و مسعود کیمیایی، عنایت بخشی در نقش‌هایی تقریباً با چنین مشخصه‌هایی ظاهر می‌شد. شاید حضور در نقش اکبر فیلم تنگنا ساخته امیر نادری در سال ۱۳۵۲ با وجود آنکه در داستان یک نقش منفی کلاسیک سینمای آن زمان بود، اما یکی از بهترین بازی‌های او و شاید یکی از بهترین نقش منفی‌های فیلم‌های پیش از انقلاب باشد. از انقلاب سال ۱۳۵۷ در ۲۵ فیلم بازی کرد که آخرین آنها «پرواز در قفس»، ساخته حبیب کاوش بود که یکی از متفاوت‌ترین نقش‌هایش را تا آن زمان بازی کرد. در این فیلم، او نقش مردی فقیر، خسته و سخت را بازی می‌کرد. زنش کلفت خانواده‌ای ثروتمند بود و پسر خانواده عاشق دخترش می‌شد. او که کارش را با فیلم تأثیرگذار «هالو» آغاز کرده بود، پس از آن در چهار فیلم از مجموعه فیلم‌های صمد، دو فیلم «سستارخان» و خواستگاری از علی حاتمی، دو فیلم «تنگنا» و «تنگسیر» از امیر نادری، گوزن‌ها از مسعود کیمیایی و اسرار گنج دره‌جنسی از ابراهیم گلستان نیز بازی کرد. عنایت بخشی اما قبل از حضور در هالو روی صحنه تئاتر خودش را به‌عنوان یک بازیگر توانمند اثبات کرده بود. او در سال ۱۳۴۸ در نمایش سلطان مار بهرام بیضایی در چند نقش مختلف بازی کرد. در نمایشنامه‌ای که باعث شد، بهرام بیضایی برای روی صحنه بردش، آستین‌ها را بالا زده و وارد عرصه کارگردانی تئاتر شود، بخشی در نقش صحنه‌گردان، وقایع‌نگار، درویش و سرد صحرایی بازی کرد. او از همین کار بود که به یکی از بازیگران محبوب بهرام بیضایی تبدیل شد.

پرده دوم

عنایت بخشی از بازیگرانی بود که بعد از انقلاب نیز شانس بازی در فیلم و سریال را پیدا کرد. در سال ۱۳۵۹ او در ۴ فیلم کمتر دیده شده بازی کرد که در میان آنها انفجار اثر ساموئل خاچیکیان هم وجود داشت. اما سال ۶۲ برای این بازیگر یک بازگشت متفاوت را رقم زد.

در سریال پرطرفدار و پربازیگر «سربداران»، ساخته محمدعلی نجفی او در نقش خان باشتین، یکی از



مالی اشرف اکبری‌دهقی، شایسته تقدیر بخش بزرگسال گروه علوم تربیتی، روان‌شناسی، علوم رفتاری و تربیت بدنی
پیمان حاتمیان، برگزیدهٔ سوم بخش جوان گروه علوم تربیتی، روان‌شناسی، علوم رفتاری و تربیت بدنی
آرش رئیسی‌نژاد، برگزیدهٔ سوم بخش بزرگسال گروه علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای
رضا سرحدی قهری، شایستهٔ تقدیر بخش جوان گروه علوم سیاسی، روابط بین‌الملل و مطالعات منطقه‌ای
حسین صدیقی، برگزیدهٔ سوم بخش بزرگسال گروه علوم قرآنی، تفسیر و حدیث
عمیدرضا اکبری، برگزیدهٔ دوم بخش جوان گروه علوم قرآنی، تفسیر و حدیث
پریسا عطایی‌نظری، شایستهٔ تقدیر در بخش جایزه منشور توسعه فرهنگ قرآنی در حوزهٔ پژوهش و آموزش عالی
علی ولایی، برگزیدهٔ سوم بخش جوان گروه فقه و اصول
محمود هدایت‌افزا، برگزیدهٔ سوم بخش بزرگسال گروه فلسفه، منطق و کلام
سینا سالاری‌خرم، برگزیدهٔ سوم بخش جوان گروه فلسفه، منطق و کلام
ابراهیم برزگر، برگزیدهٔ سوم بخش بزرگسال گروه مطالعات انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)
اکبر محمدی، برگزیدهٔ دوم بخش جوان گروه مطالعات انقلاب اسلامی و امام خمینی (ره)
منا آذرنوش، برگزیدهٔ سوم بخش بزرگسال گروه مطالعات هنر و زیبایی‌شناسی
سیدکاظم حسینی، شایستهٔ تقدیر بخش بزرگسال گروه مدیریت

برگزیدگان بخش بین‌الملل

راجر ایران‌شناس از انگلستان
پیتز آدامسون، اسلام شناس و ایران‌شناس از آلمان
طاهره قطب‌الدین، اسلام‌شناس از هند
دیوید راکسبرگ، ایران‌شناس از آمریکا
جورجو روتا، پژوهشگر ایران‌شناس از اتریش
آکیهیکو یاماگوجی، ایران‌شناس از ژاپن

سوفی راندل، بازیگر نقش آدا تورن، در سال ۲۰۲۳ گفت از جزئیات فیلم خبری ندارد و توضیح داد: «بازیگرها معمولاً آخرین کسانی هستند که چیزی می‌شنوند. اگر قرار باشد اتفاقی بیفتد، این طرفدارها هستند که آن را جلو می‌برند».

سم کلافین در فیلم حضور ندارد

سم کلافین، بازیگر نقش اسوالد موزلی، اعلام کرد که در فیلم «مرد جاودانه» حضور نخواهد داشت، هرچند گفت به‌عنوان یک طرفدار سریال، برای دیدن فیلم هیجان‌زده است.

کیت فیلیبس و بازگشتی که متفی شد

کیت فیلیبس، بازیگر نقش لیندا شلبی، گفته بود با کمال میل به فیلم بازمی‌گردد، اما در فوریه ۲۰۲۵ اعلام کرد با وجود گفت‌وگوها، حضورش در فیلم نهایی نشده است.



علمی و شورای سیاست‌گذاری ۶ اثر و شخصیت علمی را برای تقدیر نهایی انتخاب کردند. «. معاون وزیر علوم دربارهٔ بخش ویژه جشنواره نیز توضیح داد: «برای انتخاب شخصیت‌های برجسته پیشنهادهای ارائه‌شده از سوی گروه‌های شانزده‌گانه علمی در دو قالب «پیشگام» و «پشتتاز» در دومین جلسهٔ شورای علمی جشنواره در آبان‌ماه بررسی شد و در نهایت ۴ شخصیت ممتاز علمی برای تقدیر انتخاب شدند. هم‌چنین در این بخش، نظریه‌پرداز برتر، مجلات علمی دانشگاهی و حوزوی برتر، انجمن‌های علمی برتر و اثر تحقیقی منتخب نیز توسط شورای علمی و شورای سیاست‌گذاری نهایی شدند و شخصیت‌ها و سازمان‌های علمی برجسته مورد تقدیر قرار خواهند گرفت.»

برگزیدگان بخش ویژه

کامران فانی، شخصیت پیشگام علوم انسانی و اسلامی
سیروس برهام، شخصیت پیشگام علوم انسانی و اسلامی
سیدحسین صفایی، شخصیت پشتتاز علوم انسانی و اسلامی
شهرام یازوکی، شخصیت پشتتاز علوم انسانی و اسلامی
سیدمهدی امامی جمعه، نظریه‌پرداز برتر
انجمن ترویج علم ایران، انجمن علمی برتر دانشگاهی
انجمن فقه و حقوق، انجمن علمی برتر حوزی
نشریه علمی برتر دانشگاهی سیستان و بلوچستان
نشریه تحقیقات کلامی، نشریه علمی برتر حوزوی

برگزیدگان بخش داخلی

الهام رضوانی‌مقدم، شایستهٔ تقدیر بخش جوان گروه اخلاق، ادیان و عرفان
مهران اسماعیلی، برگزیدهٔ سوم بخش بزرگسال گروه تاریخ، جغرافیا و باستان‌شناسی
امیرحسین مقدس، برگزیدهٔ دوم بخش جوان گروه تاریخ، جغرافیا و باستان‌شناسی
ابراهیم شعاریان، شایستهٔ تقدیر بخش بزرگسال گروه حقوق
رحیم یوسفی‌آقدم، شایستهٔ تقدیر بخش بزرگسال گروه مطالعات علوم اجتماعی و علوم ارتباطات
امیرعلی تفرشسی، برگزیدهٔ سوم بخش جوان گروه مطالعات علوم اجتماعی و علوم ارتباطات
زهرامهران‌فرد، برگزیدهٔ سوم بخش جوان گروه علوم اقتصادی و امور

رمان بلند که در آن همه‌چیز جمع‌بندی می‌شود و مخاطب برای آنچه بعدش می‌آید آماده می‌شود».

فیلمبرداری از سپتامبر ۲۰۲۴ آغاز شد

استیون نایت علاوه بر خلق «پیکِی بلایندرز»، سازنده مسابقه تلویزیونی «چه کسی می‌خواهد میلیونر شود»، است، فیلمنامه فیلم زندگی‌نامه‌ای «اسپنسر» درباره پرنسس دایانا را نوشته و سریال «تمام نوری که نمی‌توانیم ببینیم» را برای نتفلیکس توسعه داده است. با وجود مشغله فراوان، نایت همچنان متعهد به ساخت فیلم پیکِی بلایندرز ماند. او در سال ۲۰۲۲ در گفت‌وگو با برنامه رادیویی «هارت برکفست» گفت: «تقریباً نوشتن فیلمنامه تمام شده. داریم فیلمبرداری می‌کنیم… و در دیگِبِت بیرمنگام مشغول راه‌اندازی استودیوهای فیلم و تلویزیون هستم». همان سال، نایت و بازیگران سریال در گفت‌وگویی گروهی با مجله «اسکوائر» تاریخ شفاهی مجموعه را مرور کردند. او گفت بازیگران تازه‌وارد فصل ششم، نقش مهمی در داستان فیلم خواهند داشت: «در فصل ششم نسل جدید را معرفی کردیم و آنها بخشی از اتفاقات فیلم خواهند بود». مارس ۲۰۲۳، نایت به «رادیو تایمز» گفت داستان فیلم در دوران جنگ جهانی دوم می‌گذرد و تماشاگران باید «منتظر غیرمنتظره‌ها» باشند. او بعدتر افزود که روی بخش‌های نهایی کار می‌کند و قصد دارد فیلمبرداری را از میانه سال ۲۰۲۴ آغاز کند. سرانجام، فیلمبرداری در سپتامبر ۲۰۲۴ در دیگِبِت آغاز شد و در دسامبر همان سال به پایان رسید. به گفته نتفلیکس، داستان فیلم در سال ۱۹۴۰ و در شهر بیرمنگام رخ می‌دهد. نایت گفت: «کشور در جنگ است و البته پیکِی بلایندرز هم در جنگ هستند. این فصلی انفجاری از داستان است؛ بی‌محابا و تمام‌عیار».

بازگشت کیلیان مورفی در نقش تامی شلبی

مورفی پس از پایان سریال بارها گفته بود تنها در صورتی به نقش تامی شلبی بازمی‌گردد که داستان ارزش گفتن داشته باشد. او در مه ۲۰۲۳ گفت: «اگر داستانی برای ادامه وجود داشته باشد، دوست دارم بازی کنم؛ اما باید منطقی و درست باشد». مارس ۲۰۲۴، استیون نایت تأیید کرد که مورفی قطعاً در فیلم حضور دارد. نتفلیکس نیز نقل‌قولی از مورفی منتشر کرد: «به‌نظر می‌رسد تامی شلبی هنوز کارش با من تمام نشده. همکاری دوباره با استیون نایت و تام هارپر برای این فیلم، هدیه‌ای برای طرفداران است».

سوفی راندل: «ما بازیگرها آخرین نفریم که خبردار می‌شویم».

شناسه آگهی: ۲۱۲۶۱۵۶

فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی

احداث نیروگاه خورشیدی (پنل خورشیدی) جهت ساختمانهای ستادی گمرک جمهوری اسلامی ایران

گمرک جمهوری اسلامی ایران در نظر دارد نسبت به انجام احداث نیروگاه خورشیدی(پنل خورشیدی) جهت ساختمانهای ستادی گمرک جمهوری اسلامی ایران، از مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی اقدام نماید. بدینوسیله از اشخاص (حقوقی / حقیقی) واجد شرایط، جهت شرکت در این مناقصات به شرح ذیل دعوت بعمل می آید:

۱-فراخوان مناقصه عمومی یک مرحله‌ای همزمان با ارزیابی کیفی:

ردیف	شماره فراخوان	موضوع	مبلغ تضمین (ریال)
۱	۲۰۰۴۰۰۳۰۰۴۰۰۰۰۳۷	احداث نیروگاه خورشیدی (پنل خورشیدی) گمرک جمهوری اسلامی ایران	۲,۵۰۰,۰۰۰,۰۰۰
۲- تضمین شرکت درفرایند ارجاع کار به صورت ضمانتنامه بانکی معتبر یا واریز وجه نقد به حساب شماره ۰۳۰۶۳۷۰۳۰۱۱۰۱۰۴۰۰ به نام تمرکز وجوه سپرده گمرک ج.ا.ی باشد.			
۳- محل، زمان و مهلت در یافت اسناد مناقصه ،ارسال پیشنهاد و بازگشایی پاکت ها:			
۱-۳- کلیه مراحل برگزاری مناقصات از طریق سامانه تدارکات الکترونیکی دولت به نشانی www.setadiran.ir انجام می‌پذیرد ومهلت دریافت اسناد از ساعت ۸:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۱/۲۵ الی ساعت ۱۴:۰۰ تاریخ ۱۴۰۴/۱۲/۰۲ می‌باشد.			
۲-۳- پاکت (الف) حاوی اصل تضمین حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۷ ، به نشانی: تهران- بالاتر از میدان ولیعصر(عج) - جنب کوچه شهیدقیومی- ساختمان مرکزی گمرک جمهوری اسلامی ایران- طبقه اول- اداره کل توسعه و تجهیز- اتاق ۱۰۹ تحویل گردد.			
۳-۳- مهلت ارسال الکترونیکی پاکت های پیشنهاد حداکثر تا ساعت ۱۴:۰۰ روز یکشنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۷ از طریق سامانه ستاد می‌باشد.			
۴-۳- زمان بازگشایی پاکات مناقصه روزسه شنبه مورخ ۱۴۰۴/۱۲/۱۹ ساعت ۱۰:۰۰ صبح خواهد بود.			
مناقصه‌گران می‌توانند جهت کسب اطلاعات بیشتر به سامانه ستاد، پایگاه ملی اطلاع رسانی مناقصات ویورتال گمرک به نشانی www.irica.gov.ir مراجعه و یا با شماره تلفن ۰۲۱-۸۲۹۹۲۱۲۰ تماس حاصل نمایند.			
م الف ۴۳۰۳			

اداره کل توسعه و تجهیز گمرک جمهوری اسلامی ایران
اداره امور قرارداده‌ها و مناقصات



سال نهم شماره ۲۱۸۴
دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۴

دیدگاه: یادداشت اقتصادی

اقدام مخرب

آیا تهدید معترضان به مصادره اموال کار درستی است؟

جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

در یکی از حساس‌ترین مقاطع اقتصادی ایران، اخباری درباره پلمب واحدهای تجاری و تهدید به مصادره اموال فعالان اقتصادی منتشر شده است. چنین اقداماتی، حتی با توجهات سیاسی، اعتماد سرمایه‌گذاران را تضعیف کرده و امنیت حقوق مالکیت را تهدید می‌کند، موضوعی که می‌تواند رکود و فرار سرمایه‌ها را تشدید کند.

اقتصاد ایران در یکی از حساس‌ترین پیچ‌های تاریخی قرار دارد، دوره‌ای که بیش از هر زمان دیگری نیازمند ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و جذب سرمایه است. در چنین بزنگاهی، اخباری مبنی بر پلمب واحدهای تجاری، مسدودسازی حساب‌ها و مصادره اموال برخی چهره‌های سرشناس یا فعالان اقتصادی به گوش می‌رسد. اقداماتی که اگرچه گاه با توجهات سیاسی یا امنیتی صورت می‌گیرد اما پیامدهای آن مستقیم، قلب اقتصاد و امنیت سرمایه‌گذاری را نشانه می‌رود. در علم اقتصاد، «حقوق مالکیت» سنگ بنای توسعه و پیش‌شرط هرگونه فعالیت مولد است. وقتی این حق بدیهی به‌واسطه تصمیمات فراقانونی یا تفسیر سلیقه‌ای مخدوش شود، سیگنالی که به بازار مخابره می‌شود، چیزی جز «ناامنی» نیست. هرگاه سیاست بر اقتصاد سایه انداخته و ابزار مصادره به‌عنوان اهرم تنبیهی به کار گرفته شده، نتیجه نهایی نه اصلاح سیاسی بلکه تخریب بنیان‌های اقتصادی و فرار سرمایه‌ها بوده است. اقتصاددانان نسبت به بازتولید چرخه معیوب «ناامنی-رکود-اعتراض» هشدار می‌دهند و بر این باورند که آنچه امروز زیر عنوان برخورد با فعالان یا چهره‌ها صورت می‌گیرد، مصداق بارز «حکمرانی دستوری» است که عقلانیت اقتصادی را قربانی تصمیمات هیجانی و ایدئولوژیک می‌کند. تهدید فعالان اقتصادی یا مصادره اموال آنها در شرایط فعلی ایران می‌تواند بسیار مضر و کوتاهمدت‌نگر باشد. اقتصاد ایران اکنون در یکی از حساس‌ترین پیچ‌های تاریخی قرار دارد و بیش از هر زمان دیگری به ثبات، پیش‌بینی‌پذیری و جذب سرمایه نیاز دارد. اقداماتی مانند پلمب واحدهای تجاری، مسدودسازی حساب‌ها یا تهدید به مصادره اموال، حتی اگر با توجهات سیاسی یا امنیتی انجام شوند، پیام روشنی به بازار می‌دهند: ناامنی حقوق مالکیت. در علم اقتصاد، حقوق مالکیت یکی از اصول بنیادین توسعه است و پیش‌شرط فعالیت‌های مولد و سرمایه‌گذاری بلندمدت محسوب می‌شود. وقتی این حق به‌واسطه تصمیمات سلیقه‌ای یا فراقانونی مخدوش شود، پیامد مستقیم آن کاهش اعتماد سرمایه‌گذاران، فرار سرمایه و رکود اقتصادی خواهد بود. تجربه تاریخی ایران و دیگر کشورها نشان داده است که استفاده از مصادره یا فشارهای مشابه به عنوان ابزار تنبیهی نه اصلاح سیاسی مؤثر بلکه تخریب بنیان‌های اقتصادی را به‌دنبال دارد. اقتصاددانان هشدار می‌دهند که چرخه معیوب «ناامنی-رکود-اعتراض» می‌تواند دوباره بازتولید شود و تصمیمات هیجانی یا ایدئولوژیک، عقلانیت اقتصادی را قربانی می‌کنند. در این شرایط ایجاد فضای شفاف، رعایت حقوق مالکیت و تضمین امنیت سرمایه‌گذاری ضروری است تا اقتصاد بتواند، مسیر رشد و ثبات را ادامه دهد و فعالان اقتصادی با انگیزه برای توسعه فعالیت‌های خود اقدام کنند.

آگهی ابلاغ

مدیریت محترم شرکت رهاورد ایمن-مدیریت محترم شرکت طوطیای سهند غرب

به استحضار می‌رساند مشاغل درخواستی آقای شیرزاد کریمی قمشه در کمیته بدوی مورخ ۱۹ / ۰۸ / ۱۴۰۴ مشاغل سخت و زیان آور مطرح و مورد تأیید قرار گرفته است.

❖ مقتضی است به استناد مواد ۳ و ۱۶ آیین نامه اجرایی مشاغل سخت و زیان آور طی مدت ۲ سال نسبت به ایمن سازی و بهسازی محیط کار اقدام فرمائید. ❖ رای کمیته بدوی حداکثر ظرف ۱۵ روز آذاری پس از ابلاغ در قالب فرم شماره (۴) قابل تجدید نظر خواهی در کمیته تجدید نظر این استان می باشد و در غیر این صورت رای صادره برای اشخاص داخل کشور سه ماه و برای افراد مقیم خارج کشور، شش ماه از تاریخ ابلاغ رای ، مطابق قانون آیین دادرسی دادگاه های عمومی و انقلاب در امور مدنی، در دیوان عدالت اداری قابل اعتراض است. / ۷۹۱۲

هوشار جوهری –رئیس کمیته بدوی بررسی مشاغل سخت و زیان آور استان کرمانشاه

هیات موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی آگهی موضوع ماده ۳ قانون و ماده ۱۳ آیین نامه قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی و اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی برابر رای شماره ۱۲۸۲۶-۱۴۰۳۱۶۰-۱۴۰۴ و ۸۱۲ هیات دوم موضوع قانون تعیین تکلیف وضعیت ثبتی اراضی و ساختمانهای فاقد سند رسمی مستقر در واحد ثبتی حوزه خریداری از مالک رسمی آقای حاتم قره تبه محرز گردیده است. لذا به منظور اطلاع عموم مراتب در دو نوبت به فاصله ۱۵ روز آگهی می شود در صورتی که اشخاص نسبت به صدور سند مالکیت متقاضی اعتراضی داشته باشند می توانند از تاریخ انتشار اولین آگهی به مدت دو ماه اعتراض خود را به این اداره تسلیم و پس از اخذ رسید ، طرف مدت یک ماه از تاریخ تسلیم اعتراض ، دادخواست خود را به مراجع قضایی تقدیم نمایند. بدیهی است در صورت اقباضی مدت مذکور و عدم وصول اعتراض طبق مقررات سند مالکیت صادر خواهد شد. / ۷۲۴۶

فرهاد نادری –رئیس ثبت اسناد و املاک تاریخ انتشار نوبت دوم: ۱۴۰۴/۱۱/۱۷

توسعه

بررسی تحولات اقتصادی

چراغ سبز

معاون وزیر خارجه درباره امکان سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها در ایران سخن گفته است

دیپلماتیک و اقتصادی آن توجه کنیم. تأکید او بر تلاش برای دستیابی به توافق پایدار نشان می‌دهد که وزارت امور خارجه به‌دنبال نتایج عملی و ملموس است و صرفاً مذاکره نمایشی یا سیاسی مدنظر نیست. این نشان می‌دهد که هدف، منافع واقعی اقتصادی و رفع محدودیت‌ها برای کشور است، نه شعار یا توافق نامدین.

پیش از این اقتصاددانان تأکید کرده بودند که ایران می‌تواند در مقابل پذیرش محدودیت در حوزه انرژی هسته‌ای، پیشنهاد دسترسی به تکنولوژی و سرمایه برای رفع ناترازی‌ها را مطرح کند چراکه اگر توافقی نتواند به رفع ناترازی‌ها کمک کند، کارکردی محدود خواهد داشت و حتی به‌نفع طرف مقابل تمام می‌شود. مسعود نیلی در بهار امسال تأکید کرده بود که اصلاح



بازار انرژی بدون بهره‌گیری از سرمایه و تکنولوژی جهانی مستلزم فشار شدید بر جامعه است و به دلیل محدودیت‌های بعد عرضه به نتیجه نمی‌رسد. در این زمینه، سناریوی جایگزین شامل جذب سرمایه‌های خارجی و دسترسی به تکنولوژی است که برای دولت سه امکان فراهم می‌کند: نخست، توسعه صنایع بالادستی نفت و گاز به میزان یک میلیون بشکه؛ دوم، صرفه‌جویی انرژی به میزان معادل یک میلیون بشکه؛ و سوم، افزایش قابل‌توجه سهم انرژی‌های خورشیدی و بادی در تأمین برق کشور.

سوال این است که آیا آمریکا می‌پذیرد در ایران سرمایه‌گذاری کند؟

اقتصاددانان می‌گویند، امکان سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها در ایران وجود دارد اما با موانع سیاسی، قانونی و اقتصادی قابل‌توجهی مواجه است و تحقق واقعی آن نیازمند اراده و تضمین‌های محکم از هر دو طرف است.

به عقیده ناظران اقتصادی، پذیرش سرمایه‌گذاری آمریکایی‌ها در ایران یک موضوع پیچیده و چندلایه است که به‌شدت به فضای سیاسی و امنیتی، سیاست‌های داخلی و روابط دو جانبه بستگی دارد. از یک‌سو، آمریکایی‌ها ممکن

است به‌دنبال فرصت‌های اقتصادی پرسود در حوزه‌های نفت، گاز، معادن و هواپیماسازی باشند و وجود چنین فرصت‌هایی برای شرکت‌های بین‌المللی جذاب است. از سوی دیگر تحریم‌ها و محدودیت‌های قانونی موجود، نگرانی‌های امنیتی و ریسک سیاسی باعث می‌شود، سرمایه‌گذاری مستقیم در ایران دشوار باشد و نیازمند تضمین‌ها و سازوکارهای شفاف برای حفاظت از سرمایه و حقوق طرفین باشد. تجربه گذشته نشان داده است که حتی پس از توافقات، آمریکا نتوانسته یا نخواست به‌صورت عملی سرمایه‌گذاری گسترده در ایران انجام دهد و بیشتر تعاملات اقتصادی محدود یا با واسطه بوده است. بنابراین تحقق این امکان مستلزم یک توافق پایدار، تضمین‌های حقوقی، شفافیت در سیاست‌های اقتصادی و پذیرش کمترین حساسیت داخلی است. حتی در این شرایط هم احتمالاً سرمایه‌گذاری‌ها ابتدا در حوزه‌هایی با ریسک پایین و بازده سریع انجام خواهد شد و سرمایه‌گذاری‌های گسترده و بلندمدت به‌تدریج و در مراحل بعدی ممکن است، تحقق یابد.

حالا بیایید پرسش را به شکل دیگری مطرح کنیم: آیا نظام حکمرانی ایران می‌پذیرد که آمریکا در ایران سرمایه‌گذاری کند؟

به عقیده ناظران دیپلماسی، نظام حکمرانی ایران اصولاً به سرمایه‌گذاری خارجی خوش‌آمد نمی‌گوید اما به‌طور مشخص، پذیرش سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکایی‌ها نیازمند توافق پایدار، تضمین‌های امنیتی و اقتصادی و مدیریت حساسیت‌های داخلی است و نمی‌توان انتظار داشت بدون رعایت این ملاحظات، حضور سرمایه آمریکایی به شکل گسترده و آزادانه باشد. به این ترتیب پذیرش سرمایه‌گذاری مستقیم آمریکایی‌ها در ایران برای نظام حکمرانی کشور، موضوعی بسیار حساس و پیچیده است و به عوامل سیاسی، اقتصادی و امنیتی وابسته است. از یک‌سو، سرمایه‌گذاری خارجی می‌تواند به توسعه صنایع، جذب فناوری و رفع ناترازی‌های اقتصادی کمک کند و منافع اقتصادی ملموسی برای کشور داشته باشد. از سوی دیگر هرگونه حضور اقتصادی آمریکا در ایران با نگرانی‌های امنیتی و سیاسی همراه است و ممکن است، بخش‌هایی از نخبگان و جریان‌های سیاسی داخلی آن را با شک و مقاومت ببینند. تجربه گذشته نشان داده که حتی پس از توافقات بین‌المللی، سیاستگذار ایرانی به‌طور محتاطانه عمل کرده و ملاحظات امنیتی و ملی را اولویت قرار داده است. بنابراین اگر سرمایه‌گذاری آمریکا تحقق یابد احتمالاً به‌صورت محدود، مرحله‌ای و با تضمین‌های شفاف و کمترین حساسیت داخلی خواهد بود و بیشتر در حوزه‌هایی که ریسک سیاسی پایین دارند مانند میدیان معدنی، انرژی یا پروژه‌های زیرساختی خاص متمرکز خواهد شد.

بدون آن، بازار شاهد خروج سنگین سرمایه خرد می‌بود. سرانه خرید حقیقی‌ها دیروز ۵۷.۲ میلیون تومان و سرانه فروش ۶۷.۳ میلیون تومان ثبت شد که قدرت خرید را به منفی ۱۰.۸ رساند. این نسبت نشان می‌دهد در کلیت بازار همچنان فروشندگان از نظر میانگین ریالی دست برتر را داشته‌اند. همزمان صندوق‌های درآمد ثابت نیز با خروج ۱۸۶ میلیارد تومان پول مواجه شدند که بیانگر احتیاط سرمایه‌گذاران حتی در ابزارهای کم‌ریسک است. این رفتار می‌تواند، نشان‌دهنده جابه‌جایی منابع میان بخش‌های مختلف بازار یا انتظار برای روشن‌تر شدن چشم‌انداز کوتاهمدت باشد. بورس تهران به‌عنوان مهم‌ترین بازار سرمایه کشور همچنان از تورم مزمن، نوسانات نرخ ارز و سیاست‌های بودجه‌ای دولت تأثیر می‌پذیرد. در صورت تداوم تورم بالا، دارایی‌های واقعی و سهام شرکت‌های صادرات‌محور می‌توانند، نقش پوشش ریسک را ایفا کنند به‌ویژه صنایع پتروشیمی، فلزات اساسی و معدنی که درآمد ارزی دارند. از سوی دیگر، هرگونه گشایش در روابط خارجی یا کاهش تحریم‌ها می‌تواند باعث بهبود انتظارات، افزایش ورود نقدینگی و رشد ارزش معاملات شود. با این حال، ریسک‌هایی مانند قیمت‌گذاری دستوری، نرخ بهره بالا، کسری بودجه و تصمیمات ناگهانی سیاستگذار همچنان سلب‌ای جدی بر بازار دارند. رفتار سرمایه‌گذاران نیز به‌شدت تحت‌تأثیر حافظه تاریخی نوسانات شدید سال‌های گذشته است و همین موضوع باعث احتیاط و نگاه کوتاهمدت‌تر شده است. در مجموع، اگر ثبات نسبی در سیاستگذاری اقتصادی، کنترل نرخ بهره و شفافیت مقررات تقویت شود، بورس می‌تواند بازدهی متناسب با تورم ایجاد کند؛ اما در غیاب این عوامل، بازار احتمالاً دوره‌هایی از نوسان، رکود مقطعی و رشدهای هیجانی را تجربه خواهد کرد.

روز شوک بزرگ

روز منفی بورس چگونه رقم خورد؟

نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

باز هم نیروهای مثبت‌اندیش نتوانستند، عنان بازار سهام را در اختیار گیرند و بورس تهران یک روز منفی دیگر را تجربه کرد. معاملات دیروز بورس تهران با افت سنگین شاخص‌ها به پایان رسید و نماگرهای اصلی بازار سهام یکی از منفی‌ترین روزهای اخیر را ثبت کردند. شاخص کل بورس با کاهش ۱۰۴ هزار و ۲۳۶ واحدی معادل ۲.۶۲ درصد در سطح ۳ میلیون و ۸۸۱ هزار و ۸۶۷ واحد ایستاد. شاخص کل هم‌وزن نیز ۹۹ هزار و ۲۲۴ واحد معادل ۱.۹۳ درصد افت کرد و به ۹۸۱ هزار و ۱۵۹ واحد رسید تا تصویر کلی بازار، حکایت از فشار فراگیر فروش در اغلب نمادها داشته باشد. در پایان معاملات، از مجموع نمادهای معامله‌شده در بازار سهام ۶۹۹ نماد در محدوده منفی و تنها ۱۱۲ نماد در محدوده مثبت قرار گرفتند. این آمار نشان می‌دهد، افت شاخص‌ها صرفاً ناشی از چند سهم شاخص‌ساز نبوده و بدنه اصلی بازار با کاهش قیمت همراه شده است. حجم معاملات در بخش سهام، حق‌تقدم و صندوق‌های سهامی به ۲۷.۱ میلیارد برگه سهم رسید و ارزش معاملات خرد رقم ۸ هزار و ۳۶۱ میلیارد تومان را ثبت کرد که نسبت به روزهای گذشته کاهش قابل‌توجهی دارد.

بازی روانی تیک آبی

گزارش «سازندگی» از تسویه حساب سیاسی؛ از حذف نشان تأیید تا هجوم اکانت‌های فیک

گروه اجتماعی: مرز میان سیاست و تجارت در دنیای مدرن به قدری باریک شده که یک تغییر ساده در مدل درآمدی یک شبکه اجتماعی، می‌تواند به یک چالش دیپلماتیک بدل شود. حذف ناگهانی نشان تأیید (تیک آبی) از حساب کاربری چهره‌های شاخصی چون عباس عراقچی (وزیر امور خارجه)، غلامحسین محسنی‌اژه‌ای (رئیس قوه قضائیه)، محمدباقر قالیباف (رئیس مجلس) و علی لاریجانی، فراتر از یک تغییر ظاهری، بازتابی از پیچیدگی‌های حقوقی و فشارهای سیاسی در عصر ایلان ماسک است. این اتفاق که در روزهای اخیر به اوج خود رسیده، نشان‌دهنده یک واقعیت سرد است که پلتفرم‌های دیجیتال دیگر «زمین بی‌طرف» نیستند.

تله حقوقی خزانه‌داری آمریکا برای «ایکس»

ریشه این اتفاق نه در یک بیانیه تند سیاسی بلکه در تغییر استراتژی مالی شبکه اجتماعی «ایکس» نهفته است. پیش از این، تیک آبی صرفاً نمادی برای «احراز هویت» بود و به رایگان در اختیار چهره‌های شناخته‌شده قرار می‌گرفت تا اصالت حساب آنها تأیید شود. اما ایلان ماسک با تبدیل کردن این نشان به بخشی از سرویس اشتراک پولی (X Premium) عملاً آن را به یک «کالا» تبدیل کرد. همین تغییر به ظاهر ساده، یک تله حقوقی بزرگ ایجاد کرد. طبق قوانین خزانه‌داری آمریکا (OFAC) هیچ شرکت آمریکایی حق ندارد از افسراد یا نهادهای تحت تحریم، وجهی دریافت کند یا به آنها خدمات تجاری بفروشد. زمانی که گزارش‌هایی منتشر شد مبنی بر اینکه مقامات تحریم‌شده ایرانی با پرداخت هزینه اشتراک در

سلامت

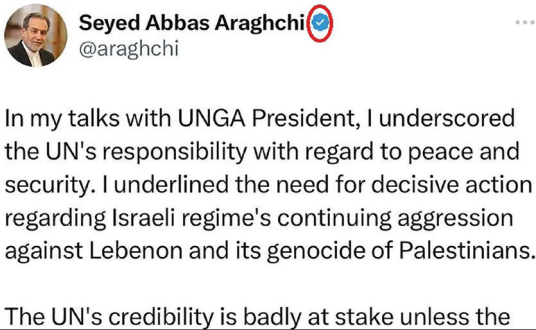
حال استفاده از خدمات ویژه ایکس هستند، این شبکه برای فرار از جریمه‌های سنگین و اتهام «نقض تحریم‌ها» چاره‌ای جز حذف این نشان‌ها و قطع دسترسی به امکانات تجاری این حساب‌ها نداشت. در واقع، انتقاد رسانه‌های غربی مبنی بر اینکه ایکس با فروش اشتراک به مقامات ایرانی قوانین تحریمی را دور زده، ماسک را مجبور به این عقب‌نشینی کرد.



هجوم اکانت‌های فیک؛ وقتی امنیت هویت از دست می‌رود

بلافاصله پس از حذف این نشان‌های تأیید، یکی از بزرگ‌ترین نگرانی‌های کارشناسان فضای مجازی به واقعیت پیوست: انفجار اکانت‌های جعلی. تیک آبی پیش از این تنها ابزاری بود که مخاطب به‌وسیله آن می‌توانست، حساب واقعی یک مقام مسئول را از حساب‌های فیک تشخیص دهد. حالا با حذف این سپر امنیتی، ده‌ها اکانت با نام و تصویر مشابه مقامات ایرانی، سر برآورده‌اند که تشخیص اصالت

پیام‌ها را برای کاربران عادی و حتی رسانه‌های بین‌المللی دشوار کرده است. این حذف نشان، به‌معنای حذف مزایای «پریمیوم» است؛ یعنی این مقامات دیگر نمی‌توانند ویدئوهای طولانی بارگذاری کنند و مطالب‌شان در جست‌وجوها اولویت ندارد. اما مهم‌تر از همه، هویت آنها در برابر حساب‌های جعلی آسیب‌پذیر شده است. این موضوع در میان‌مدت، «دیپلماسی



دیجیتال» ایران را که سعی داشت از بستر ایکس برای صحبت مستقیم با افکار عمومی جهان استفاده کند با لکت و بحران اعتبار مواجه می‌کند.

تیک خاکستری؛ آخرین مرز میان شخص و نهاد

با وجود حذف تیک آبی از حساب‌های شخصی مسئولان، بررسی‌ها نشان می‌دهد که نهادهای حاکمیتی ایران همچنان «تیک خاکستری» خود را حفظ کرده‌اند. تیک خاکستری نشان‌دهنده حساب‌های رسمی دولتی یا وابسته به

نهادهای حاکمیتی (مانند وزارتخانه‌ها) است. تفاوت اصلی در اینجاست که تیک خاکستری برخلاف تیک آبی، قابل خرید نیست و فقط پس از بررسی هویت نهادی توسط خود پلتفرم اعطا می‌شود. هدف از باقی ماندن این نشان، تفکیک حساب‌های رسمی حکومتی از حساب‌های شخصی است. با این حال با روندی که ایلان ماسک در پیش گرفته، انتظار می‌رود تیک آبی سایر مقامات و مسئولان کشور نیز به‌تدریج حذف شود تا این شبکه اجتماعی از اتهام همکاری تجاری با افراد تحت تحریم تبرئه شود.

پایان دوران استثنائات در دهکده جهانی

ایران تنها کشوری نیست که با این اتفاق روبه‌رو شده است. شبکه ایکس پیش از این اقدامات مشابهی علیه مقامات روسیه پس از جنگ اوکراین، اعضای طالبان در افغانستان و مقامات دولت ونزوئلا انجام داده بود تا نفوذ کلامی آنها را در فضای

بین‌المللی کاهش دهد.

این ماجرا پیامی روشن برای دنیای سیاست دارد. پلتفرم‌های دیجیتال به‌طور کامل با سیاست‌های مالی و امنیتی کشورهای خود همسو شده‌اند. در دنیای جدید دیجیتال، حتی اگر هویت شما برای همه روشن باشد، تا زمانی که نامتان در لیست‌های سیاه مالی قرار دارد از حقوق شهروندی این دهکده جهانی محروم خواهید بود. این نه یک اقدام نمادین بلکه اجرای دقیق پروتکل‌های مالی در لباس یک شبکه اجتماعی است که حالا به قیمت آشفتگی در هویت دیجیتال مقامات تمام شده است.

جامعه

اخافی نگردیم

شاکی پرونده پژمان:

هدف ما پیشگیری از وقوع چنین اتفاقاتی بود

در پی شکایت شاکی از پژمان جمشیدی به اتهام تجاوز به عنف، این زن جوان اتهام اخاذی که از سوی برخی نزدیکان متهم مطرح شده را کاملاً رد کرد و آن را کذب محض دانست. به گفته شاکی، او و مادرش از ابتدا هدف‌شان از طرح این شکایت، جلوگیری از وقوع چنین حوادثی برای دیگر زنان بوده است. این زن همچنین تصریح کرد که برای اثبات ادعایش مدارک و مستندات کافی به دادگاه ارائه داده است.

در جلسه دادگاه که به‌تازگی در شعبه نهم دادگاه کیفری یک برگزار شد، شاکی گفت که تمامی مستندات ازجمله فیلم‌های دوربین‌های مداربسته و مدارک پزشکی قانونی به‌نفع اوست و وکلای جمشیدی نتوانسته‌اند هیچ مدرک محکمه‌پسندی ارائه دهند. او همچنین به گواهی پزشک قانونی اشاره کرد که در آن آثار کبودی، تورم و خراشیدگی‌های بدنش همچنین وجود DNA جمشیدی بر بدن او ذکر شده است. شاکی همچنین در پاسخ به اتهامات مطرح شده مبنی بر اخاذی، تأکید کرد که هیچ‌گاه قصد اخاذی نداشته و مدرک دارد که به او پیشنهادات مالی برای عقب کشیدن از پرونده شده است. او افزود: «مدارک این تهدیدها و پیشنهادات مالی را به دادگاه ارائه کرده‌ام». شاکی در ادامه گفت که این دروغ‌ها به‌ویژه در فضای شبکه‌های اجتماعی با هدف تحت‌فشار قرار دادن او و خانواده‌اش منتشر شده است. او همچنین اشاره کرد از زمانی که این پرونده را آغاز کرده حتی پیج اینستاگرام نداشته و هیچ‌گونه عکس یا فیلمی منتشر نکرده است.

مادر شاکی نیز در این گفت‌وگو از رفتار وکلا و اظهارات نادرست آنها در رسانه‌ها انتقاد کرد و گفت: «ما تنها به مدارک موجود در پرونده و به رأی قضات دادگاه امیدواریم». او همچنین انتقاداتی به سخنگوی قوه قضائیه وارد کرده و خواستار توضیح درباره تصمیمات قضایی در خصوص قرار وثیقه برای جمشیدی شد. به گفته او، اگر چنین تصمیمی برای دیگر متهمان نیز گرفته می‌شد، مشکلی وجود نداشت اما این اقدام تنها در مورد جمشیدی اتخاذ شده است.

شاکی در پایان گفت که هدف اصلی‌اش از شکایت این است که چنین اتفاقاتی برای هیچ زن دیگری تکرار نشود. او از تمام کسانی که از او حمایت کرده‌اند، تشکر و ابراز امیدواری کرد که این پرونده به نتیجه‌ای منصفانه برسد تا عدالت برای همه رعایت شود.

ماجرای اختلاف وزارت بهداشت با نهادهای امنیتی بر سر هویت مجروحان حوادث دی‌ماه



فائزة مومنی

گروه اجتماعی

در راهروهای باریک و استریل بیمارستان‌ها، جایی که بوی تند الکحل با بیم و امید درهم آمیخته، نبردی پنهان در جریان است؛ نبردی نه میان ویروس و پادتن که میان «اخلاق حرفه‌ای» و «ضرورت‌های امنیتی». حوادث دی ماه امسال، جامعه پزشکی ایران را با یکی از چالش‌برانگیزترین آزمون‌های دهه‌های اخیر روبه‌رو کرد. اکنون در بیست‌وششمین روز از بهمن‌ماه با فروکش کردن نسبی ناآرامی‌ها، ابعاد تازه‌ای از تقابل میان وزارت بهداشت و نهادهای امنیتی بر سر سرنوشت مجروحان فاش شده است؛ تقابلی که در قلب آن، مفهوم مقدس «محرمانگی اطلاعات بیمار» قرار دارد.

ماجرای انتشار یک نامه محرمانه آغاز شد؛ نامه‌ای از سوی شورای تأمین شهرستان تهران خطاب به رؤسای دانشگاه‌های علوم پزشکی که در آن درخواست شده بود، لیست و مدارک پزشکی تمامی مجروحان حوادث دی‌ماه در اختیار مراجع ذی‌صلاح قرار گیرد. این درخواست که بوی «امنیت‌زدایی از فضای درمان» را می‌داد با واکنشی غیرمنتظره و صریح از سوی وزارت بهداشت روبه‌رو شد. همایون سامه‌یح‌نجف‌آبادی، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس، با تأیید اصالت این نامه‌نگاری‌ها از ایستادگی وزارت بهداشت در برابر این خواسته پرده برداشت. او صراحتاً اعلام کرد که وزارت بهداشت با تکیه بر اصول قانونی، هرگونه اشتراک‌گذاری اطلاعات بیمار را بدون طی مراحل قضایی، «ممنوع» و «غیرقانونی» قلمداد کرده است.

سوگند بقراط

درحالی که برخی نهادهای به‌دنبال شناسایی افراد حاضر در اعتراضات از طریق سوابق بیمارستانی بودند، بدنه کارشناسی و مدیریتی وزارت بهداشت بر یک اصل بنیادین پافشاری کرد: بیمارستان باید «منطقه امن» بماند. بر اساس آیین‌نامه‌های اخلاق پزشکی، پزشک مکلف است فارغ از ایدئولوژی، ملیت یا اتهامات سیاسی بیمار، تنها به درمان

درد او بیندیشد. این همان نقطه‌ای است که عباس عبادی، معاون پرستاری وزارت بهداشت بر آن پای فشرده و اعلام کرد: «حتی اگر یک سرباز دشمن هم به ما مراجعه کند، وظیفه ما خدمت‌رسانی است».

اما واقعیت جاری در کف خیابان و اورژانس‌ها، پیچیده‌تر از متون قانونی بود. گزارش‌های میدانی نشان می‌دهد که در هفته‌های نخست دی ماه، سایه سنگین ترس از بازداشت بر سر مجروحان سنگینی می‌کرد. بسیاری از معترضان به‌رغم جراحات شدید ناشی از ساجمه یا ضربات سخت از بیم آنکه تخت بیمارستان به بازداشتگاه بدل شود، از مراجعه به مراکز درمانی خودداری کردند. این «خوددرمانی‌های زیرزمینی» که در خانه‌ها و با امکانات اولیه صورت می‌گرفت، نگرانی‌های جدی از بابت عفونت‌های مزمن و آسیب‌های ماندگار جسمی ایجاد کرد. وزارت بهداشت برای شکستن این بن‌بست در



اقدامی که در نوع خود بی‌سابقه تلقی می‌شود، اعلام کرد که مجروحان می‌توانند حتی بدون احراز هویت دقیق یا با نام‌های مستعار تحت‌درمان قرار گیرند؛ چراکه حفظ جان انسان بر بروکراسی شناسایی مقدم است.

تاوان سنگین تأخیر در درمان

آمارهای رسمی از مراجعه با تأخیر بیش از سه هزار نفر از مجروحان حوادث دی‌ماه به بیمارستان‌ها حکایت دارد. این عدد، نشان‌دهنده شکاف عمیق اعتماد میان بخشی از جامعه و نهادهای رسمی است. هرچند فراخوان وزارت بهداشت

برای مراجعه بدون ترس، گامی رو به جلو بود اما منتقدان و تشکل‌های صنفی مانند انجمن اسلامی دانشکده پزشکی دانشگاه تهران معتقدند این دعوت دیرنگام صورت گرفته است. آنها هشدار می‌دهند که ورود نهادهای امنیتی به حریم دانشگاه‌های علوم پزشکی و درخواست تصاویر و مدارک بالینی، نه‌تنها استقلال کادر درمان را زیر سوال می‌برد بلکه بیمارستان را از یک نهاد «انسان‌محور» به یک «چارچوب امنیتی» سوق می‌دهد.

در این میان، شورای عالی نظام پزشکی نیز با صدور بیانیه‌ای در ۱۴ بهمن بر تعهد «ذاتی و غیرقابل تعلیق» کادر سلامت تأکید کرد. این نهاد صنفی اعلام کرد که کادر درمان نباید تحت هیچ فشاری، اصول اخلاقی خود را فدای ملاحظات غیرحرفه‌ای کنند.

اتهامات واهی و صیانت از حریم سپید

بخش دیگری از این بحران، متوجه همه‌های رسانه‌ای علیه کادر درمان بود. در اوج ناآرامی‌ها شایعاتی مبنی بر همکاری برخی پزشکان با نهادهای امنیتی برای شناسایی مجروحان یا برعکس، اتهاماتی به مسئولان وزارت بهداشت در رسانه‌های خارجی وارد شد. نجف‌آبادی معتقد است ۹۹ درصد این اتهامات ریشه در مسائل شخصی و سیاسی داشته و هدف آن تخریب بدنه سخت‌کوش جامعه پزشکی است که در سخت‌ترین شرایط، میان جبهه‌های مخالف، تنها به وظیفه انسانی خود عمل کرده‌اند.

واقعیت این است که سلامت جامعه تفکیک‌پذیر نیست. مجروح، چه معترض باشد و چه نیروی امنیتی، در لحظه ورود به اورژانس، تنها یک «بیمار» است. ایستادگی وزارت بهداشت در برابر تحویل مدارک پزشکی نه یک کش سیاسی بلکه دفاع از کیان «پزشکی مدرن» و حقوق شهروندی است. اگر اعتماد به محرمانگی اطلاعات در بیمارستان‌ها از بین برود، هزینه‌های بهداشتی و اجتماعی آن تا سال‌ها بر گرده جامعه سنگینی خواهد کرد. پرونده حوادث دی‌ماه در بخش درمان همچنان باز است؛ زخمی که برای التیام، بیش از هر چیز به بازگشت «اعتماد» و تضمین «امنیت در سایه حریم خصوصی» نیاز دارد.



سال نهم شماره ۲۱۸۴
دوشنبه ۲۷ بهمن ۱۴۰۴



دیدگاه | بررسی مسائل روز ایران

سازندگی: روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی
زیر نظر شورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطر یانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولتزاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آراین‌فر • حروف‌چین: سحر خسروجردی • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۴۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۸۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

دیدگاه: جشنواره فیلم فجر

چگونه فجر، عمار شد؟

چرا جشنواره فیلم فجر
به جشنواره‌های ارگانی فرو کاست؟



امیر فرض‌اللهی

منتقد فیلم

خیلی سخت نبود. از ۱۳۸۸ شروع شد. زمانی که جو غیرفرهنگی به‌طور کامل بر تولیدات، پخش و فضای جشنواره‌ها حاکم شد و سینمای اجتماعی، دغدغه‌مند، قابل تحمل و تلنگرزننده به مخاطب تهدید به حساب آمد، محدودیت‌های بسیار بر آن وضع شد؛ به‌نحوی که سینماگران دغدغه‌مند اجتماعی که هویت سینمای ایران در دنیا شده‌اند یا به ساخت زیرزمینی آثار خود روی آوردند و قید جشنواره‌های داخلی و اکران در ایران را زدند و یا پس از چند سال پایمردی بر ساخته‌های خود به آغوش سینمای گیشه‌پسند پناه بردند، آن هم از نوع بسیار مبتذلش.

اندک‌اندک، سال به سال فیلم‌های ارگانی سازمانی در جشنواره‌ای که رویداد ملی محسوب می‌شد، بیشتر شد و بساط ویژه‌خواری در تولیدات افزون گشت. در وضعیتی که صدای بسیاری از خودی‌ها هم درآمد که این همه بودجه برای ساخت این فیلم‌های به‌شدت تاریخ مصرف‌دار، حیف و میل است.

کار به‌جایی رسید که سایر نهادها که چندان در زمینه ساخت آثار سینمایی وارد کار نبودند، به تولید روی آوردند و برای آنکه خود را پیش از پیش نشان دهند، با اختصاص بودجه‌های آنچنانی به ساخت آثار سفارشی پرداختند.

این‌گونه شد که اهالی کهنه‌کار مطبوعات با ذره‌بین؛ سال به سال در جشنواره‌ای که هنوز اسمش و اسماً رویداد ملی محسوب می‌شود اما به‌شدت میلی برگرار می‌شود، در حسرت دیدن حتی یک فیلم که اندکی حال و روز جامعه را نشان دهد و ی‌آ آنها را به تأمل و اندیشه وادارد، مانده‌اند.

و این‌گونه پیش رفت که در بهمن ۱۴۰۴ با دبیری منوچهر شاهسواری، جشنواره فجر جشنواره‌ای برگزار کرد که انگار بخش سینمایی بلند جشنواره عمار است و به‌طور کامل تفکرات آن جشنواره را نقل و پخش می‌کند.

در ایسن میان حتی نحوه برگزاری جشنواره فجر امسال که دیگر به هیچ‌وجه ملی نبود، برخلاف رویه سابق خود انجام شد و در تمام ساحات کمی و کیفی بی‌تمرکز با تغییرات وسیع نمایش فیلم‌ها، عدم حمایت اهالی رسانه از برقراری راه‌های ارتباطی مطلوب برای انجام بهینه کارشان، نامناسب بودن فضای اختصاص‌یافته به نمایش آثار برای اهالی رسانه از منظر نمایش در سالن‌های کوچک و عدم وجود دمای مناسب برای فیلم دیدن و شاهد اختلال‌های بسیار در روند این جشنواره بودیم.

جشنواره‌ای که با ریخت‌وپاش شهردار تهران شاهد تولید ۴ فیلم تاریخ مصرف‌دار از شهرداری تهران بود و حوزه هنری در رقابتی نزدیک با سازمان سینمای اوج، دست بالاتری در تولید فیلم‌های سفارشی داشت و بخش اعظم جشنواره بود از منظر کمی. و سایر نهادهای ارگانی هم به‌نوع خود کارهایی روانه این جشنواره کرده بودند که فاتحه‌ای نثار ملی بودن این جشنواره نواختند. نکته حیرت‌آور این بود که بنیاد سینمایی فارابی به‌عنوان یک مرجع تخصصی بازوی اجرایی سازمان سینمایی کل کشور که باید قاعداً فیلم‌های غیرجناحی و دارای شاخص‌های ضروری فیلمنامه‌نویسی و کارگردانی را تولید کند، در این جشنواره برتر از نهادهای ارگانی ۵ فیلم تولید کرده و روانه جشنواره ساخته بود که به هیچ‌وجه قابل مقایسه با ۴۵ سال اخیر این بنیاد نبود و رقابتی برای خود نشان دادن با فیلم‌های ارگانی داشت.

در این میان خودمحوری‌ها موجب شد، این جشنواره ضعیف‌ترین دوره تاریخ حیات خود را در ۴۴ دوره به خود ببیند. البته اتفاقات دی ۱۴۰۴ در ایران، نقش برجسته‌ای در عدم استقبال از این جشنواره داشت اما روند طی شده از ۱۳۸۸ تاکنون که فضای کاملاً غیرفرهنگی را بر سینما حاکم کرده و تولیدات سینمای ایران و حضور در جشنواره و البته اکران همان‌گونه که اشاره شد به گلخانه‌ای شدن جشنواره و حاکمیت ابتدال در اکران یومیه سال در سینماها انجامید.

اینجاست که باید فریاد زد، آنها که سینمای ایران در ۴ دهه پیش را گلخانه‌ای می‌خواندند چقدر بی‌انصاف بودند. دوره‌ای که در حوزه تولید آثار فاخر در گونه‌های مختلف و ژانرهای گوناگون از قبیل سینمای کودک معمایی اکشن تاریخی اجتماعی آثار سرآمدی تولید کرد و جان سینمای مستقل دهه ۷۰ و ۸۰ از همان دهه ۶۰ نشأت گرفته بود.

اکنون که سینمای مستقل و دغدغه‌مند از سید تولید و نمایش در سینمای ایران کاملاً محو شده است و این خیانتی آشکار به سینمای ایران بود که طلایی‌ترین دوره سینما در ۴۷ سال اخیر را عنوان جعلی نامیدند حالا آنچه که در واقعیت رخ داد اکنون است که سینمای بسیار مبتذل چرخه اکران را به دست گرفته، آثار جشنواره نیز کاملاً گلخانه‌ای ارگانی و سازمانی است. و این چنین، راهی طی شد تا جشنواره‌ای که در ادواری ملی بود کاملاً غیرملی شود و بخش بلند داستانی جشنواره عمار به‌حساب آید. جشنواره‌ای که اگر برگزار نمی‌شد به از برگزاری‌اش بود.



محسن رهامی

حق‌وقدان

اعتراضات دی‌ماه از چند جهت با اعتراضات سال‌های گذشته مانند اعتراضات ۱۳۸۸، ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ متمایز بود. یکی از تفاوت‌ها، گستردگی اعتراضات بود. سطح اعتراضات این‌گونه نبود که مانند اعتراضات سال‌های گذشته محدود به کوی دانشگاه یا به چند خیابان تهران شود. این بار اعتراضات در بسیاری از شهرها و شهرستان‌های کوچک نیز رخ داد، جایی که پیش از این شاهد چنین حضور گسترده‌ای از مردم در اعتراضات نبودیم. تفاوت دوم، حجم اعتراضات بود؛ البته منظوم حجم معترضان است. به‌رغم اینکه در گذشته مردم به یک خیابان شهر دعوت می‌شدند، در این اعتراضات، در هر شهر، مردم در چندین خیابان همزمان حضور داشتند. مثلاً در تهران، قم یا اصفهان، مردم در خیابان‌های مختلف تجمع کردند و این برخلاف اعتراضات گذشته بود که معمولاً معترضان در یک یا دو خیابان متمرکز می‌شدند. تفاوت سوم، نوع خشونت بود که به‌کار رفت؛ زیرا در اعتراضات گذشته شاهد این حجم از خشونت نبودیم، نه اینکه خشونت وجود نداشت بلکه این بار با خشونت گسترده‌تری رویه‌رو بودیم. تعداد کشته‌ها طبق آمارهای رسمی، بیش از ۳۰۰۰ نفر بود و شمار زخمی‌ها که به‌طور دقیق نمی‌توان آمار آن را تعیین کرد به بیش از ۱۰ هزار نفر رسید. تفاوت چهارم از حیث نوع برخورد با اماکن مذهبی و دولتی بود. در گذشته اگر تعرضی به اماکن مذهبی مانند مسجد صورت می‌گرفت کم و انگشت‌شمار بود. اما در این اعتراضات ما شاهد تعرضات گسترده‌ای به مساجد، دفاتر ائمه جمعه و دیگر اماکن مذهبی بودیم. این‌گونه تعرضات نه قبل از انقلاب و نه بعد از آن سابقه نداشته است. علاوه بر این، تعرض به اماکن و ماشین‌های دولتی، آمبولانس‌ها و حتی ماشین‌های آتش‌نشانی که برای نجات مردم به خیابان‌ها آمده بودند به‌طور بی‌سابقه‌ای افزایش یافت. در این موارد این اعتراضات از همه تظاهرات گذشته، چه قبل از انقلاب و چه بعد از انقلاب، متمایز است. من در بسیاری از تظاهرات قبل از انقلاب حضور داشتم، هم بعد از انقلاب شاهد بوده‌ام و هم از برخی وقایع مطلع بوده‌ام اما این مواردی که اشاره کردم، ویژگی‌های عمده اعتراضات اخیر بودند.

بخش عمده‌ای از علت این اعتراضات که در ادامه اعتراضات گذشته مانند سال‌های ۱۳۹۶، ۱۳۹۸ و ۱۴۰۱ صورت گرفت، ناشی از نارضایتی عمومی بود؛ نارضایتی از اوضاع اقتصادی، نحوه مدیریت کشور و سیاست‌های کلان جامعه که باعث بروز این وضعیت شد. این نارضایتی‌ها به‌هم پیوسته بود و در کنار آن امیدی که دخالت‌های خارجی ایجاد کرده بود نیز مؤثر واقع شد. به این معنا که در اعتراضات گذشته، دخالت‌های خارجی به‌صورت غیرمستقیم صورت می‌گرفت اما در این دوره رئیس‌جمهور آمریکا به‌طور مستقیم وارد صحنه شد و با اظهاراتش به معترضان امید داد و به آنها گفت که من از شما حمایت می‌کنم و تنها نخواهید ماند!

این اعتراضات در تکمیل جنگ ۱۲ روزه صورت گرفت، اولین بار بود که اعتراضات باعث امیدوار شدن مخالفین و سازماندهی آنها شد. زیرا آنها فکر می‌کردند وعده‌هایی که آمریکا داده بعد از قضیه حمله آمریکا به وئزولا و دستگیری رئیس‌جمهور آنجا و بردنش به کشور خودشان نوعی امیدواری در مخالفان ایجاد کرده بود و فکر می‌کردند با یک حرکت وسیع شاید بتوانند به نتیجه برسند. البته موقعیت ایران بعد از حمله آمریکا و اسرائیل، یعنی جنگ ۱۲ روزه و آسیب‌هایی که در سوریه، لبنان و فلسطین دیدیم نیز نوعی تردید در اقتدار کلان جمهوری اسلامی ایجاد شده بود. ایسن نیز در امیدوار کردن مخالفین و در اینکه آمریکایی‌ها، اسرائیل و مخالفین بتوانند ضربه نهایی را بزنند، بی‌تأثیر نبوده است.

از آن‌سو اعتراضات نیز به چند جهت به سرعت رنگ خشونت گرفت؛ یکی از جهت این است که ما احزاب و سازمان‌های مردم‌نهادی نداریم که بتوانند، اعتراضات مردم را مانند همه دنیا جهت‌دهی و مدیریت کنند. اما در این حرکت‌های اخیر چنین چیزی وجود نداشت. هیچ مسجد، امام‌جمعه و نهاد رسمی کنترل جمعیت را به‌عهده نداشت، احزاب هم غایب بودند و نتوانسته بودند در طول سال‌های گذشته حضورشان را در سازمان‌دهی حرکت‌های مردمی نشان دهند، البته شاید هم فرصت نشد. در سایر کشورهای دنیا، احزاب و نهادهای غیردولتی برای راهپیمایی اصفاف و مردم از دولت مجوز می‌گیرند و حتی خودشان امنیت را تضمین می‌کنند و گروه‌هایی را برای حفاظت از خود مغازه‌ها و نهادهای دولتی می‌گذارند.

در نتیجه، آن موجی که ایجاد شد، بلافاصله توسط جریان‌های مخالف کشور و فرصت‌طلب‌ها و کسانی که نمی‌خواهند به هر حال کشور و مردم ایران از بحران‌های اقتصادی عبور کنند و به‌دنبال این هستند که کشور را به آشوب بکشانند، موج سواری کردند. این جریان‌ها شاید می‌خواستند در ایران چیزی مثل سودان یا لیبی درست کنند بنابراین از فرصت برای موج‌سواری استفاده کردند. اگر در اعتراضات اخیر اصفاف، احزاب، نهادهای عمومی و مدنی، روحانیت و دانشگاه‌ها حضور داشتند و مدیریت سازمان‌دهی می‌کردند که از کجا باید شروع کنیم تا کجا باید برویم و چه شعارهایی بدهیم قطعاً وضعیت به این شکل نمی‌شد.

بنابراین کم‌تحملی مسئولین در برابر اعتراضات و بیان خواسته‌ها باعث تجمع عقده‌ها می‌شود. حرف‌هایی که به‌راحتی می‌شود با مدیریت دانشگاهیان، روحانیون و احزاب مدیریت کرد تا مردم حرف‌هایشان را بزنند و پلیس و نظام هم امنیت آنها را تضمین کنند. اما اگر کسانی بخواهند به‌نفع حکومت و در حمایت از مسئولین تظاهرات کنند، هر اندازه لازم باشد به آنها میدان داده می‌شود که اشکالی ندارد اما باید به کسانی که منتقد هستند هم میدان داده شود. از این به‌بعد این کار باید انجام شود و احزاب و گروه‌ها را دعوت کنند و بگویند اگر خواسته‌ای دارید، مکانی مشخص شود و مردم اعتراض خود را آنجا مطرح کنند.

در حال حاضر، سه نفر عمدتاً در صحنه و میدان هستند که عبارت هستند از آقای خاتمی، آقای احمدی‌نژاد و آقای روحانی و اینها یک سرمایه برای کشور هستند. ممکن است کسی خط و ربط اینها را قبول داشته باشد یا نداشته باشد اما در خیلی کشورها رؤسای‌جمهور گذشته به‌طور طبیعی در امور کلان و مشورت و مشارکت دارند. بنابراین ما هم می‌توانیم یک شورای مشورتی از رؤسای‌جمهور گذشته تشکیل دهیم. آقای خاتمی در دو انتخابات، یکی در خرداد ۷۶ و دیگری ۸۰، ۲۱ میلیون رأی در دور اول و ۲۴ میلیون رأی در دور دوم گرفتند که مجموعاً ۴۵ میلیون رأی است و حالا اگر رأی آقای احمدی‌نژاد و آقای روحانی هم حساب کنیم، این سه بزرگوار مجموعاً نزدیک به ۱۴۰ میلیون رأی در مراحل مختلف کسب کرده‌اند. آقای خاتمی نماد جریان اصلاحات در کشور است، آقای احمدی‌نژاد هم نماد جریان اصولگراست، آقای روحانی هم نماد جریان اعتدال در این کشور است. این سه اگر لازم باشد سفر کنند، جلسه بگذارند تا مسائل خارجی کشور سریع حل شود و از این حالت که «امشب ممکن است حمله بشود، فردا ممکن است حمله بشود» خارج شویم. این حالت، استرس روانی جامعه را بالا می‌برد و فشار روانی ایجاد می‌کند. کسانی که می‌خواهند سرمایه‌گذاری کنند، جرأت نمی‌کنند سرمایه‌گذاری کنند و پول‌هایشان را وارد بازار نمی‌کنند. نه تنها سرمایه خارجی نمی‌آید بلکه سرمایه داخلی هم فرار می‌کند و مردم پول‌هایشان را به ترکیه، ارمنستان و حتی گرجستان می‌برند. اصلاً در این شرایط کدام سرمایه‌گذار خارجی حاضر می‌شود

در ایران سرمایه‌گذاری کند؟ باید یک مقدار بازی را وسیع‌تر کنیم؛ من قبلاً هم در ملاقات‌هایی که با مسئولین کشور داشتم، خدمت رهبری عرض کردم که ما هم در این کشور مسئولیت داشتیم، تلاش و کار کردیم (من در مجلس اول و دوم در سخت‌ترین شرایط جنگ حضور داشتم) فرزندان همین خانه‌ایم، اینجا خانه همه است. ما برای آنهایی که به هر حال از هر گروهی و از هر کسی بودند و آسیب دیده‌اند، متأسفیم. خانه باید امن باشد و خطر جنگ را از کشور دور کنیم. برای دور کردنش باید توان مضاعفی گذاشته شود و اقدامات فعلی شورای عالی امنیت ملی و وزارت خارجه کفایت نمی‌کند. دلیل آن هم همین وضعیت نه جنگ است و نه صلح است که الان وجود دارد. آن زمان پیشنهاد من به آقای هاشمی «سفیران صلح» بود و به ایشان گفتم، شما با آقای خاتمی و با رهبری مذاکره کنید و به عربستان و سایر کشورهای عربی تشریف ببرید. به مصر بروید و رابطه برقرار کنید، ایشان گفت پیشنهاد خوبی است و صحبت می‌کنم ولی بعد دیگر خبری نشد که موافقت شد یا خیر.

وقتی بعد از این قضایا اروپا، سپاه پاسداران را که بخشی از نیروهای مسلح کشور است به‌عنوان جریان تروریستی اعلام می‌کند، مسئله سنگینی و خطرناکی است و صلح جهانی را به‌خطر می‌اندازد. چون وزارت خارجه به تتهایی زورش نمی‌رسد، آمریکا و اروپا هم این کار را می‌کنند. آمریکا در بعضی موارد، وزیر خارجه‌اش را نمی‌فرستد بلکه یک سفیر مثل آقای ویتکاف تعیین می‌کند؛ در بسیاری از کشورها از رؤسای‌جمهور گذشته یا افرادی در آن سطح استفاده می‌کنند. همچنین از سرمایه‌داران بزرگ دنیا دعوت کنیم تا برای سرمایه‌گذاری به ایران بیایند همان‌طور که پیش از حمله ۱۲ روزه، مقامات آن فراهم شده بود. باید تضمین بدهیم به آنها که سرمایه‌گذاری کنند و بگویم، سرمایه‌تان را همراه با سود معقول تضمین می‌کنیم بنابراین باید کاری در این سطح انجام بدهیم. اما این میزان که آقایان مدام سخنرانی می‌کنند و دعوت به مقاومت می‌کنند، ما هم قبول داریم و مقاومت کرده‌ایم ولی مردم قبول نمی‌کنند که در معرض خطر قرار گیرند البته آنها می‌فهمند که خطر وجود دارد.

به نظر من، گام بسیار مهم در حال حاضر، اصلاح وضعیت اقتصادی است زیرا مردم نگران درآمد و سفره زندگی‌شان هستند؛ بسیاری از کارمندان و کارگران شرمند زده و بچه‌هایشان هستند. بنابراین باید اصلاحات اقتصادی اساسی صورت بگیرد و لازمه آن این است که به دنیا اطمینان دهیم که ما قصد جنگ نداریم. باید کمی با دنیا آشتی کنیم؛ فرموده‌اند «با دوستان مروت، با دشمنان مدارا»! پس باید مدارا کنیم و علاچی نداریم.

جذب سرمایه خارجی و ایجاد بازار کار مستلزم این است که نهادهای مزاحم و پرهزینه‌ای که میلیاردها میلیارد بودجه می‌گیرند و هیچ سودی برای مردم ندارند، حذف شوند. اگر بتوانیم فضایی ایجاد کنیم که تعدادی از شرکت‌های بزرگ آمریکایی و اروپایی بیایند و اینجا سرمایه‌گذاری کنند تا به‌جای جنس‌های بنجل و دست‌چندم چینی که در هیچ جا مشتری ندارد و به ما صادر می‌شود به سمت بازار اروپا و آمریکا برویم، مردم احساس می‌کنند، تحولی صورت گرفته است.

اگر اقتصاد سر و سامان بگیرد و ببینند که ایران با مردم خودش در آشتی و صلح است و با دنیا هم در مسیر آشتی قرار گرفته، خودبه‌خود ناوگان آمریکا از منطقه دور می‌شود. اگر داخل خانه اصلاح شود و مردم امیدوار شوند که وضع‌شان درست می‌شود قطعاً مردم ما افراد نخبه‌ای هستند و سابقه فرهنگی ۲۰۰ تا ۳۰۰ ساله دارند. این مردم کسانی نیستند که گوش به حرف فردی مثل رضا پهلوی بدهند که تا دیروز پیش تنابیهو می‌رفت و از او خواش می‌کرد به ایران حمله کند؟

منبع: ایرنا